

کارگر کمونیست ۱۰۱

دو هفته یکبار، پنجشنبه، منتشر میشود

نشریه ای از حزب کمونیست کارگری ایران - درباره مسائل جنبش کارگری

kargar_komonist@yahoo.com

www.wpiran.org/kk-index.htm



شهبلا دانشفر

اگر به این پروسه سه ماهه نگاهی کنیم، می بینیم که در این مدت اتفاقات بسیاری افتاده است. طی این مدت جمهوری اسلامی حمله ای گسترده به سطح معیشت و زندگی کارگران و کل جامعه را در دستور گذاشت و در برابر اعتراضات صفحه ۴

کارگران قاطعانه به دستمزدهای زیر خط فقر نه خواهند گفت

سران این رژیم جمع میشوند، غور و تفحص میکنند، و بالا و پایین میروند تا به معضل افزایش یا عدم افزایش دستمزد کارگران پاسخ گویند. حاصل این تقلا و تلاشهای دست اندرکاران حکومت چیزی است که امروز جهرمی وزیر کار جمهوری اسلامی بعنوان میزان حداقل دستمزد برای سال آتی و مصوبه شورای عالی کارشان اعلام داشت.

میزان حداقل دستمزدها برای سال آتی، سال ۸۸، توسط جمهوری اسلامی ۲۷۴ هزار و ۵۰۰ تومان تعیین شد. این تصمیم جنایتکارانه رژیم، اعلام جنگی دیگر به کارگران و کل جامعه است. واقعیت اینست که امسال بیش از هر سال مساله تعیین حداقل دستمزد به معضل جمهوری اسلامی تبدیل شده بود. سه ماه است که

علیه فلاکت به میدان بیاید!

حداقل دستمزد نباید کمتر از يك ميليون باشد!

کرد که سال ۸۸ با توجه به فلج اقتصادی جمهوری اسلامی و بحران جهانی سرمایه داری، سال گرانی های سرسام آورتر و فلاکت بی سابقه تر خواهد بود. جمهوری اسلامی با اعلام حداقل دستمزد ۲۷۴ هزار تومانی دارد بروشنی اعلام میکنند که اوضاعی به مراتب وخیم تر را برای کارگران و خانواده هایشان تدارک دیده است.

جمهوری اسلامی سرانجام پایه دستمزد ناچیز کارگران را ۲۵ درصد افزایش داد و مبلغ ۲۷۴۵۰۰ تومان را بعنوان حداقل دستمزد برای سال ۸۸ تعیین کرد. طی همین سال ۸۷ در اثر گرانی های افسار گسیخته، کارگران به مراتب بیش از ۲۵ درصد از قدرت خرید خود را از دست دادند. در نتیجه این افزایش کذایی، حتی کاهش عملی دستمزد در طول یکسال را نیز جبران نمی کند. چه رسد به اینکه پاسخی به مساله مزمن دستمزدهای بسیار ناچیز باشد. حداقل دستمزد در حکومت اسلامی سرمایه چندین بار کمتر از هزینه های یک زندگی عادی و حتی سه بار پایین تر از "خط فقر"های بخور و نمیر اعلام شده توسط خود جمهوری اسلامی است. به این واقعیات اینرا هم باید اضافه

جمهوری اسلامی، با طرح "جراحی اقتصادی" در صدد سیاست انجماد دستمزدها بود. اما اعتصابات کارگری و اعتراضات معلمان و تومار هزاران نفره کارگران برای دستمزد به يك ميليون تومان و خشم توده های وسیع مردم چنان بالا گرفته است که رژیم را بویژه با توجه به موقعیت شکننده اش بر آن داشت صفحه ۳

دست جمهوری اسلامی از سر کارگران هفت تپه کوتاه!



ناصر اصغری

تشکیل نهادهای جاسوسی رژیم، شوراهای اسلامی کار، در میان کارگران نوشت؛ اما مهمترین نکته صفحه ۴

پروسه شکل گیری سندیکای مذکور نوشت. می شود به احضار و آزادی با قرار وثیقه و بازداشت موقت و سردواندن و غیره اعضای هیئت مدیره این سندیکا اشاره کرد و صفحات زیادی را سیاه کرد. می شود در باره چرائی این بازداشتها و این بازداشت علی نجاتی نوشت. در این رابطه می شود درباره خیلی چیزهای دیگر، از جمله توطئه

جمهوری اسلامی بالاخره بعد از چندین بار سیکل احضار، آزادی موقت، بازداشت موقت و سردواندن، علی نجاتی رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه را روز ۸ مارس دستگیر و تلفن خانه ایشان را قطع کرد تا کسی با او تماسی برقرار نکند. می شود در این باره نکات زیادی را مطرح کرد. میشود در باره

یادداشتهای یک کارگر

یاشار سهندي - صفحه ۵

وقتی مبارزه کارگران تخطئه میشود ناصر اصغری - صفحه ۱۲

اعتصاب معلمان و سکوت اپوزیسیون داود رفاهی - صفحه ۱۵

حکومتی که کارگر حق طلب را سرکوب میکند باید سرنگون شود پیامهای بینندگان کانال جدید در حمایت از کارگران دستگیر شده نیشکر هفت تپه - صفحه

اروپای شرقی، دوده بعد از "انقلابات مخملی و نارنجی"

محمد کاظمی - صفحه ۹

اخبار اعتراضات کارگری در ایران صفحات ۱۳-۸

اخباری از اعتراضات کارگری در سطح جهان

محمد کاظمی - داود رفاهی - صفحه ۷

اسفند ماه، دستمزدها و اتحاد حول کمپین افزایش دستمزدها

وطبقه مفت خور سرمایه دار و آیت اله های دزد میلیاردی و حکومتشان در جریان است، کمتر کسی رامیتوان یافت که ترکه بی حقوقی مطلق، انسان کش، زن ستیز، شادی صفحه ۳

سکوت کند. نگاهی به آمار اعتراضات و اعتصابات کارگری در اقصا نقاط ایران در بخشهای مختلف تولیدی و خدماتی حاکی از يك نبرد و کشمکش دائمی بین کارگران و زحمتکشان از يك طرف

رضا رشیدی

وضعیت رقت بار و بی حقوقی مطلق که جمهوری اسلامی به کارگران و مردم کارکن تحمیل کرده است به حدی رسیده که کمتر انسان زحمتکشی در مقابل آن توانسته

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

"دستمزد ۲۷۴۵۰۰ تومانی تحمیل گرسنگی مطلق بر میلیونها خانواده کارگری است با پیوستن به صف مبارزه برای افزایش حداقل دستمزدها از حق حیات انسانی خود به دفاع بر خیزیم"

اعتراض شدید به تصویب چنین دستمزدی، اعتراض به آن و مبارزه برای تجدید نظر اساسی در میزان حداقل دستمزدها را حق مسلم کارگران میدانند و عموم کارگران، معلمان، پرستاران و سایر زحمتکشانشان را به امضای طومار خواست افزایش حداقل دستمزدها فرا میخوانند و از آنان میخواهند با ملحق شدن به صف مبارزه برای افزایش حداقل دستمزدها، این خواست را همدوش با کارگران امضا کننده طومار، به یک خواست اصلی و قابل تحقق در روز اول ماه مه امسال تبدیل کنند.

25 اسفند ماه 1387

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، اتحادیه آزاد کارگران ایران، انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه

توضیح: (به نقل از سایت اتحاد) www.ettehadeh.com
k.ekhraji@gmail.com
فکس: ۰۲۱۴۴۵۱۴۷۹۵

کارگرانی که در سراسر کشور قصد پیوستن به طومار جمع آوری امضا برای افزایش دستمزدها را دارند میتوانند با شماره تلفنهای زیر تماس بگیرند:

۱- تهران و استانهای شمالی:

رضا شهبانی:

09192034087

جعفر عظیم زاده

09123368772

۲- استانهای جنوبی: علی نجاتی:

09169483504

رضا رخشان:

09169420430

۳- استانهای مرکزی:

شاپور احسانی راد:

09192550737

۴- استانهای غربی: جوانمیر

مرادی 09188871405

شریف ساعد پناه:

09189710274

۵- استان اصفهان: محمد رضا

خویشکار: 09139068974

۶- استان آذربایجان شرقی و غربی:

سلام شیخی:

09194802028

شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت و همچنین اشراف کامل خود این نهادها بر اینکه در تمامی مراکز استانی کشور فقط اجاره بهای ماهیانه منازل مسکونی بالای ۲۷۵ هزار تومان است با این حال چنین مبلغی را به عنوان حداقل دستمزد کارگران به تصویب رساندند و با این مصوبه نشان دادند فقر و فلاکت کارگران و مستولی شدن بیش از پیش گرسنگی مطلق بر زندگی میلیونها خانواده کارگری مسئله اینان به عنوان تصمیم گیرندگان و اداره کنندگان جامعه نیست.

کارگران، معلمان، پرستاران و عموم زحمتکشانشان

باید در مقابل تحمیل دستمزدهای زیر خط فقر آستینها را پیش بالا زد، نباید به مرگ تدریجی از گرسنگی تن سپرد، نباید اجازه داد هر طوری که صاحبان سرمایه میخواهند نیروی کار ما به حراج گذاشته شود و سهم ما از تولید کوهی از ثروت و نعمت در جامعه فقر روز افزون باشد. برخورداری از یک زندگی انسانی حق مسلم ماست و این چیزی است که هیچ کس آنرا به میل خود به ما هدیه نخواهد کرد.

افزایش حداقل دستمزدها تنها در گرو اراده و خواست ما کارگران در صفت متحد و یکپارچه است، باید تا روز اول ماه مه با امضای طومار خواست افزایش حداقل دستمزدها، این روز را به روز اعتراض علیه دستمزدهای زیر خط فقر تبدیل کرد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، اتحادیه آزاد کارگران ایران و انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه همدوش با کارگران امضا کننده طومار خواست افزایش حداقل دستمزدها اعلام میدارند دستمزد ۲۷۴۵۰۰ تومانی لگد مال کردن حرمت انسانی کارگران و محکوم کردن خانوادههای آنان به مرگ تدریجی از گرسنگی است و بدینوسیله ضمن

بر اساس مصوبه شورایعالی کار حداقل دستمزد کارگران برای سال آینده ۲۷۴۵۰۰ تعیین و اعلام شد. تصویب چنین دستمزدی تحمیل آشکار فقر و گرسنگی مطلق بر ما کارگران و خانواده هایمان است، این مبلغ حتی پایین تر از اجاره بهای یک منزل مسکونی در مراکز استانی کشور است و بی تردید تصویب کنندگان چنین دستمزدی از این موضع آگاهی کامل دارند.

نمایندگان دولت و کسانی که تحت نام نماینده های کارگران در شورایعالی عالی کار حضور دارند خود اقرار میکنند خط فقر ۸۰ هزار تومان است و آنوقت حداقل دستمزد را ۲۷۴۵۰۰ تومان تعیین میکنند و به این ترتیب بی آنکه ذره ای وجدان شان بدر آید، چشم در چشم ما اعلام میکنند فقر و فلاکت و مرگ تدریجی از گرسنگی تنها سهم کارگران و خانواده هایمان از زندگی است.

نمایندگان سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و اتحادیه آزاد کارگران ایران سه روز قبل از تصویب و اعلام حداقل دستمزدها، طوماری را حول خواست افزایش حداقل دستمزدها که به امضا حدود پانزده هزار کارگر رسیده بود تحویل دبیر شورایعالی کار، مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت دادند و همانجا اعلام کردند این امضاها با توجه به امکانات بسیار محدود سازماندهندگان خواست افزایش حداقل دستمزدها جمع آوری شده است و از آنجا که تمامی کارگران در شرایط معیشتی بسیار مصیبت باری قرار دارند، خواست افزایش حداقل دستمزدها، خواست تمامی کارگران و عموم مزد بگیران است و حداقل دستمزد ماهانه با توجه به افت شدید قدرت خرید کارگران در طی سی سال گذشته، نباید کمتر از یک میلیون تومان در ماه باشد.

اما علیرغم انتقال این مسئله به شورایعالی کار، نماینده های مجلس



اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

منصور حکمت

کارگر کمونیست

نشریه ای از حزب کمونیست کارگری ایران

درباره مسائل جنبش کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

Email: kazem.nikkhah@googlemail.com

هیئت تحریریه

ناصر اصغری

nasser_asgary@yahoo.com

شها دانشفار

shahla_daneshfar@yahoo.com

یاشار سهندی

y_sahandi@yahoo.com

حسن صالحی

hasan_salehi2001@yahoo.com

Tel: 0046 739 318 404
Fax: 0046 864 897 16
markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی حزب

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست.

اسفند ماه، دستمزدها و ...

از صفحه ۱

ستیزی حکومت اسلامی به تنش نخورده باشد. کمتر جوانی را در این کشور میتوان یافت که برای خوشی کردن و لذت بردن از اوقات دوران جوانی با بازداشت و شلاق و تحقیر روبرو نشده باشد و بتواند يك لحظه تصویر سیاه زندگی با حاکمیت رژیم اسلامی را از نظر دور کند. با این همه صحنه مبارزه با جمهوری اسلامی روز به روز گسترده تر، عمیق تر، و رادیکال تر می شود. کل جامعه در حال شوریدن و مبارزه بر علیه جمهوری اسلامی است. از اعتصابات کارگری در کارخانجات تا مبارزات دانشجویان، معلمان، پرستاران، همگی به مقابله با حکومت زور و سرمایه برخاسته اند. در مقابله با این اعتراضات جمهوری اسلامی با راه انداختن کاروانهای ایجاد وحشت نظامی، برگذاری مانور ناجا، نمایش گردانهای بسیج و اقدامهای دستجمعی سعی میکنند جامعه را مرعوب کند و هم زمان با ارائه طرح ضد انسانی اقتصادی با عنوان "طرح جراحی اقتصادی" زندگی میلیونها انسان را به قهقرا

ببرد. عمق نفرت و انزجار مردم از این حاکمیت آنقدر زیاد است که با هر اعتراض توده های مردم رژیم دچار بحران جدی میشود. مردم این رژیم را نمی خواهند و این را تمام بخش های حکومت فهمیده اند و به همین خاطر در آستانه مضحکه انتخابات به تقلا افتاده اند که چگونه این بی آبرویی را به پایان ببرند. میدانند که مردم سر صندوقها حاضر نخواهند شد و سر سوزنی اعتبار برایشان قائل نیستند. با اوج گیری مبارزات مردم در صفوف حاکمین شکاف می افتد و هر روز امیدشان را به بقا بیشتر از دست میدهند.

سران رژیم و فرماندهان نیروهای انتظامی سال ۸۸ را سال بروز بحرانهای عمیق اجتماعی و اعتصابات کارگری اعلام کرده اند. آری جامعه ایران چنین است سرشار از اعتراض و اعتصاب، اما این روزها روزهای پایانی ماه اسفند است آخرین ماه سال که نبرد و کمکش بین کارگران و مفت خورهای حکومت اسلامی شدت می

گیرد. در ماه اسفند هرسال خواست افزایش دستمزد و بهره مندی از زندگی انسانی بیش از هر زمان دیگر به مهمترین مطالبه کارگران تبدیل میشود. در اسفند ماه مقامات وزارت کار و عوامل شوراها ی اسلامی و سرمایه داران سطح دستمزد را برای خیل عظیم میلیونها انسان زحمتکش تعیین میکنند دستمزدی که هرگز کفاف مخارج زندگی را نداده است.

طی چند روز گذشته جهرمی وزیر کار و نمایندگان کارفرمایان و شوراها ی اسلامی طی جلسه ای حداقل دستمزد را دو بیست و هفتاد و چهار هزار و پانصد تومان تعیین کرده اند این در حالی است که خط فقر چندین برابر این مبلغ اعلام شده است. این میزان حقوق حتی برای پرداخت اجاره خانه در جنوب شهری مثل تهران و شهرهای بزرگ کافی نیست. گرانی سرسام آور مخارج زندگی اعم از خوراک و پوشاک، آب و برق و ... آنچنان بر گرده میلیونها انسان سنگینی کرده است که اجباراً در چندین شیفت کار میکنند، آنقدر فشار گرانی بی حد است که برای آگهی درخواست خرید کلیه صف دهها نفری برای فروش تشکیل

مبارزه ای که بدون تردید از مبارزه اقتصادی فراتر خواهد رفت. مبارزه ای که ثمرات و نتایج آن فقط به مبارزه طبقه کارگر، که عملاً مبارزه ای در دفاع از انسانیت و رفاه و آزادی است، محدود نمی ماند. طبقه کارگر باید خود را برای نبردهای سرنوشت ساز آماده کند و برای نجات خویش و جامعه متحد و متشکل شود. حزب کمونیست کارگری دقیقاً برای این تشکیل شده است تا این تلاش های طبقه کارگر را در سیاست نمایندگی کند و عظیم ترین نیروی اجتماعی را حول آرمانهای رهایی بخش طبقه کارگر گرد آورد. افزایش ناچیز دستمزدهای بخور و نمیر در واقع فراخوان به هر

میشود. برای پایان دادن به این بی حقوقی و بهره مندی از آسایش و رفاه باید متشکل شد باید به اقدامات دسته جمعی روی آورد. تجربه اعتراض غیر متشکل را بارها کارگران در مبارزاتشان دیده اند. باید ظرف مناسبی برای هر اعتراض و اعتصاب درست کرد و در آن متشکل شد و به جنگ سرمایه داران رفت. طی سالهای گذشته طبقه کارگر بارها راههای متشکل شدن را آموزده و ثمره اقدام متشکل را دیده است.

طی ماههای گذشته به همت اتحادیه آزاد کارگران، سندیکای شرکت واحد، سندیکای هفت تپه و دهها مرکز کارگری طرح طومار افزایش دستمزدها متناسب با سطح زندگی انسانی را شاهد بودیم و تاکنون به همت فعالین کارگری و کارگران تعداد ده هزار کارگر از مراکز کارگری و بیکار شدگان آنرا امضا کرده اند.

همانطور که از قبل پیش بینی میشد این طرح با در نظر گرفتن منفعت فی الحال موجود کارگران با استقبال وسیع روبرو شد. مسئولین پیشبرد این طرح سعی کردند با

کارگر است تا برای افزایش چند برابر دستمزد و برای دفاع از زندگی به صفوف حزب بپیوندند و فعالانه با همکاران و هم طبقه ای های خود متحد شود. زنده باد اتحاد سراسری طبقه کارگر برای افزایش دستمزدها

نیروی وسیع توده کارگر با توجه به توازن قوای موجود و افزایش این توازن قوا در هر مرحله این مطالبه پایه ای کارگران را به پیروزی نزدیک کنند. این کمپین در مراحل ابتدائی آن است. آگاهی طبقاتی و در نظر گرفتن موقعیت اقتصادی کارگر در جامعه و سنجیدن موقعیت توان مبارزه امروز کارگر برای اقدام بعدی، پشت این حرکت الزامی است. کمپین افزایش دستمزدها در مراحل بعدی لزوماً باید خود را از چهارچوب درخواست خارج کرده و اقدامات عملی معینی را در مقابل خود داشته باشد.

با توجه به سطح وسیع اعتراضات اجتماعی و طبقه کارگر این طرح پتانسیل تبدیل شدن به يك وزنه در تعیین توازن قوا در کشمکش بین کارگران و سرمایه داران را دارد. باید این طرح را تقویت کرد به کمک کارگران و فعالین آن رفت تا تبلیغ آن در مراکز کارگری به گسترش و نیروی آن افزود و با متشکل کردن کارگران پشت این طرح مطالبات دیگر کارگری از قبیل حق تشکل، حق اعتصاب را به نیروی توده کارگر تقویت و عملی کرد. زنده باد اتحاد کارگری (اسفند ۸۷)

حداقل دستمزد نباید کمتر از يك میلیون تومان باشد! زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری! حزب کمونیست کارگری ایران

۲۲ اسفند ۱۳۸۷، ۱۲ مارس ۲۰۰۹

آدرس تماس و مشخصات فنی کانال جدید به این شرح است:

ماهواره هات برد	۸
فرکانس	۱۲۳۰۳ مگاهرتز
سیمبل ریت	۲۷۵۰۰
اف ای سی	۳/۴
پلاریزاسیون عمودی	(Vertical)
سایت کانال جدید:	

آدرس تماس:

<http://www.newchannel.tv>kanaljadid@yahoo.comtv.anternasional@yahoo.com

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

کارگران قاطعانه به ...

از صفحه ۱

کارگران و کل جامعه گام به گام عقب نشست. ابتدا طرح جراحی اقتصادی احمدی نژاد را پیش کشیدند، از طرح هدفمند کردن یارانه ها سخن گفتند، از اینکه یارانه هایی که تاکنون بر بخش محدودی از کالاها داده می شده حذف خواهد شد سخن گفتند، با ریاکاری آخوندیشان بر سر پرداخت یارانه های نقدی در ازای قطع یارانه ها به قول خودشان به دهک های پایینی جنجالها برآه انداختند و خلاصه اینکه بتدریج کل طرحشان را رو کردند و گفتند اصلا از سال دیگر خبری از افزایش حداقل دستمزدها نخواهد بود، اما با دیدن فضای ملتهد جامعه ترسیدند و عقب نشستند.

وحشت رژیم از گسترش اعتراضات مردم بیش از هر وقت به دعوای درون خود حکومت شدت داد. از شوک تورمی صحبت کردند. از شورشهای شهری و بحرانهای اجتماعی به یکدیگر هشدار دادند. مانور ناجا شان را راه انداختند، هفته بسیج برگزار کردند و طرح های امنیت اجتماعی شان را تشدید کردند، اما بازهم حرات نکردند و سرانجام ناگزیر شدند طرح هدفمند کردن یارانه هایشان را نیز از لایحه بودجه سال ۸۸ حذف کنند.

در دل چنین کشاکشی بود که دولت دوباره ناگزیر شد مساله تعیین دستمزدها برای سال آتی را در دستور بگذارد. کمیته مزدشان را تشکیل دادند. این کمیته طبق روال هر سال رابزنی هایش را شروع کرد. طبق معمول با پیش آمدن بحث مزد کارگر، مینا را خط فقر گذاشتند. بحث بر سر خط فقر و سبد هزینه کارگران و غیره به راه افتاد. کمیته مزد جمهوری اسلامی، خط فقر را ۶۸۹ هزار تومان در ماه اعلام داشت، مصری وزیر رفاه جمهوری اسلامی، گفت اصلا در ایران خط فقر وجود ندارد چون نرخ خط فقر بنا به معیارهای جهانی و سازمان ملل یک

سال آتی، شیپور آنرا بصدا در آورده است. باید برای این جنگ و برای نبردی بزرگتر آماده شد. جنگی که امروز بیش از هر وقت برای آن صف آرایی شده است. کارگران با طومار ده هزار امضا و با رقم بالای یک میلیون بعنوان میزان حداقل دستمزدها در گام اول، در مقابل این تهاجم ایستاده اند. جنب و جوش برای پیوستن به این حرکت و اعتراض در برابر مصوبه دولت در میان کارگران بالاست. معلمان و پرستاران نیز خواست فوریشان خواست افزایش حقوقهایشان است و بازنشستگان نیز همواره به سطح پایین حقوقهایشان معترض بوده اند. باید با متحد کردن صفوف این مبارزه تعرض رژیم به کل جامعه را عقب راند. یک راه فوری متحد شدن این صف، پیوستن همه بخش های جامعه به کمپین کارگران با خواست در گام اول یک میلیون تومان بعنوان حداقل دستمزد است. حرکتی که به ابتکار سندیکای کارگران سندیکای واحد واتحادیه آزاد کارگران به راه افتاده و میگوید دستمزد ما کارگران امروز نباید از یک میلیون و نیم کمتر باشد و در گام اول بر رقم یک میلیون تومان حداقل دستمزد ها تاکید گذاشته است. میگوید دستمزد تعیین شده از سوی دولت خط گرسنگی و فقر است و ما در مقابلش می ایستیم و تا هم اکنون همانطور که اشاره کردم بیش از ده هزار امضا از دهها کارخانه و مرکز کارگری و کارگران از مناطق مختلف دور آن گرد آمده اند. باید وسیعا به این حرکت پیوست. باید در عین حال این جنبش را از طومار فراتر برد و به اعتصابات سراسری در تمامی مراکز کارگری و در میان معلمان و پرستاران و بخش های مختلف جامعه تبدیل کرد.

بطور واقعی اوضاع خطیر است. مساله دستمزد و میزان حداقل حقوقها امروز بیش از هر وقت به مساله بقا و زندگی کل جامعه گره خورده است. سران این حکومت فاسد اسلامی میلیاردها پول به جیب زده

اند. اما وقتی از بودجه بندی برای سال آتی و دستمزد کارگران سخن میگویند، کسری بودجه های میلیاردیشان را که خود به جیب زده اند، ردیف میکنند و با این کار مستقما معیشت و زندگی مردم را هدف قرار داده اند. باید در مقابل این تعرض ایستاد. امروز جمهوری اسلامی بیش از هر وقت در استیصال و در محاصره اعتراضات کل جامعه قرار گرفته است و در واقع این جنگی است که به حیات و بقای این رژیم گره خورده است و نبردی بزرگتر در پیش است. باید خود را برای چنین نبردی

در رابطه با سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه این است که رژیم با عادی جلوه دادن احضار، آزادی موقت، بازداشت موقت و غیره، آزار و اذیت و زندانی کردن فعالین این تشکل را به امری عادی برای کارگران تبدیل کند. کارگران شرکت نیشکر هفت تپه و مردم شوش و هفت تپه مبارزه سخت و متحدانه ای را بر علیه زورگویی مدیریت شرکت مزبور و اداره اطلاعات رژیم به پیش بردند. اکنون امر مهم دیگری، به همان مهمی پیش روی آنها قرار دارد و آن اینکه برای آزادی علی نجاتی باید متحد و پیگیرانه مبارزه کنند. علی نجاتی در رابطه با همین مسائل دستگیر شده است و دستگیری ایشان در قدم اول ربط مستقیمی به تک تک کارگران شرکت نیشکر هفت تپه دارد؛ و در قدم بعد، به همان اندازه مهم، ربط به کل جنبش کارگری ایران دارد که مبارزه برای تشکل پذیری، مبارزه برای نقد کردن دستمزدهای پرداخت نشده، مبارزه برای انحلال شوراهای اسلامی کار، مبارزه برای افزایش دستمزدها، مبارزه برای امینتی محیط کار و و مشغله سی سال گذشته فعالین این جنبش بوده است. سردواندن و بالاخره زندانی کردن فعالین کارگری، یک تاکتیک حساب شده از طرف رژیم جمهوری اسلامی و

آماده کرد. و برای آن صفوف خود را آماده کنیم. نبردی که ستاد رهبری و حزب سیاسی خود را طلب میکند. حزب کمونیست کارگری ایران و تلویزیون کانال جدیدیش را طلب میکند. باید وسیعا به این حزب پیوست. امروز بیش از هر وقت جامعه در التهاب مبارزه میسوزد. در همه جا اعتراض هست. اما چیزی که همه این اعتراضات را به یک قدرت واحد تبدیل میکند، چیزی که همه این مبارزات را چتر واحد میدهد، حزب است باید وسیعا به حزب کمونیست کارگری ایران پیوست.

دست جمهوری اسلامی از ... از صفحه ۱

اداره اطلاعاتش در چند سال اخیر بوده است. در گرماگرم مبارزه جرأت ندارند کسی را مورد اذیت و آزار قرار دهند. اما هزینه و بودجه سنگینی را صرف منزوی کردن فعالین کارگری می کنند که بعد از افتادن آنها از آسیاب و بعد از اینکه متوجه شدند کارگران موضوع را تقریبا به فراموشی سپرده اند و به همان گرمی کوران اعتصاب به آن حساس نیستند، با شکایات واهی و دروغین سراغ تک تک فعالین و دست اندرکاران اعتصاب مزبور می روند و این موضوع را به امری عادی تبدیل می کنند. اینکه رژیمی که قبلا مخالفین خود را در روز روشن دستگیر، شکنجه و اعدامش را در رسانه هایش اعلام کرده و جشن می گرفت، اکنون چنان به عقب نشینی ای واداشته شده که مجبور شده آنها را با حيله و تقیه اسلامی احضار و دستگیر کند، پیروزی برای ما بوده است. اما نفس اینکه رفقا و همکاران پیشرو ما را به این راحتی دستگیر و مورد اذیت و آزار قرار می دهند، خانواده های آنها از سرنوشت عزیزان خود نگران می مانند؛ همین که نان شب کودکان آنها را گرو می گیرد، ضربه ای به جنبش کارگری است و نباید به آنها تن داد.

زنده باد سوسیالیسم!

یادداشت‌های یک کارگر

یاشار سهندی

اضافه کاری، مصلحتی که دیدگان...!

داشتیم با همکاران چرتکه مینداختیم که چند ساعت اضافه کار داشتیم که کارفرما رسید و گفت: از امروز اضافه کار نداریم. گفتیم: چرا؟ گفت: مصلحت این است! گفتیم: چه مصلحتی؟ گفت: شب عید است بهتر عصر زودتر بروید خانه و به زن و بچه تان برسید! گفتیم: اگر به ما باشد تمام طول سال، نه عصر که دوست داریم ظهر برویم خانه، اما مشکل مالی نمیگذارد. گفت: کمر کار شکسته است و دیگر احتیاج به اضافه کار نداریم.

یکماه پیش بود نه بیشتر از یکماه بود که یکروز ما را جمع کرد و گفت: شب عید دارد نزدیک میشود. کارها باید هر جور شده جمع شود تا شب عیدی پول داشته باشیم تا شرمند شما نباشیم! این است که این روزها بیشتر دست بجنابید و عصر هم راحتان را نکشید و مثل مرغ خانگی غروب نشده بروید خانه. بمانید و یک پولی برای زن و بچه تان در بیاورید!

اضافه کاری یکی از بلاهایی است که از تصدق سر جمهوری اسلامی بر سر ما کارگران نازل شده است. دستمزد کم و گرانی روز افزون ما کارگران را وادار کرده است که تن رنجور و خسته خود را خسته تر کنیم. گاهی بین مان رقابت است که کی بیشتر اضافه کار دارد. در ماه اگر طبق قانون کار باید ۱۹۲ ساعت، ساعت کارت باشد تا حق بیمه کامل نصیب کارگر شود؛ به روز بازنشستگی همه این کسورات جمع میشود و یک وقت میبینی باید یکسال دیگر هم جان بکنی تا کسری جبران شود. اما کارگرانی هستند که در ماه گاه ۱۲۰ ساعت شاید هم

بیشتر اضافه کار دارند. یعنی چیزی نزدیک به دو ماه در یک ماه کار میکنند. از نظر کارفرما کارگر خوب کارگری است که اضافه کار تا هر ساعت گفتند بایستد. فکر نکنید در ساعت اضافه کار امتیازاتی آن چنانی به کارگر تعلق میگیرد، دروغ از یک عصرانه نان و پنیر. این خود کارگر است که نان بربری تهیه میکند و با هزار اما و اگر آنرا، و گاه دور از چشم صاحب کار آنرا میبلعد. تنها امتیاز اضافه کاری که آنرا هم کارفرما با هزار منت مجبور است پرداخت کند اضافه شدن ۴۰ درصد به حقوق یک ساعت اضافه کار است. که طبق قانون کذایی کار ایران در روزهای تعطیل به ازای هر ساعت اضافه کار باید ۸۰ درصد تعلق گیرد که اکثر قریب به اتفاق کارفرمایان همان ۴۰ درصد را پرداخت میکنند و از ۴۰ درصد دیگر آن شانه خالی میکنند. و اگر کسی مدعی آن شود هیچ بعید نیست که کارش را نیز از دست بدهد.

اضافه کاری اما، علاوه بر نقش هایی که در سود آوری هنگفت کارفرما دارد سالیانی است که نقش ابزار تنبیهی و تشویقی پیدا کرده است. کارفرما هر وقت بخواهد حال کارگری را بگیرد اضافه کارش را قطع میکند تا او متنبه شود. سوای این تشدید رقابت را برای کارگران نیز در پی دارد. یعنی کارفرما بعمد برای کسانی اضافه کاری تعیین میکند تا آن دیگران هم تنبیه شوند و هم به همکار خود به دید شک و بدبینی بنگرند. کارفرما از این ابزاری که در اختیار دارد به نحو احسن استفاده میکند و تا میتواند از کرده کارگر تسمه میکشد.

نزدیک ربع قرن است که من در این مملکت دارم کارگری میکنم و این متأسفانه همیشه کارفرما بوده که "مصلحت کارگر" را تشخیص

داده. و مصلحت کارگر از دید کارفرما کار بیشتر دستمزد کمتر و حرف کمتر است. و این سالهای آخر نیز تشخیص داده اند که ندادن حقوق به مصلحت کارگر است. بقول همکاران: جای پولها امن است! سال دیگری به پایان رسید و عیدی دیگر فرا رسید. یکسال دیگر گذشت و جز کار و اضافه کاری و خسته گی مفرط چیزی حس نکردم. امسال نیز در ایام عید مثل تمام سال با وجود آن اضافه کاری باز هم چیزی دستمان را نگرفته. تا سرمایه داری هست و "مصلحت" ما کارگران را ایشان تشخیص میدهند نصیب کارگر همین است؛ کار و خسته گی و رنج و مصیبت.

نگاهی به سخنان یک انگل

این خاصیت رژیمهای سرمایه داری است که حرف دل خود را مستقیم بزبان نمی آورند. نمی توانند بیان کنند که استعمار لازم دست آوردن سود است. کدام دولتی را سراغ دارید که صاف تو چشم مردم نگاه کند و بگوید: خفه شوید و کار کنید همین که هست. کدام رژیمی را سراغ دارید که بگوید: دستگاه پلیس و امنیت را سازمان دادم که دمار شما مردم را در بیاورد. دسته دسته "کارشناس" تربیت میکند که نظم ظالمانه کنونی را توجیه کنند. اگر فقر هست که هست را نشانه پیشرفت نشان ندهند. اگر جنگ هست که هست را نشانه صلح معرفی نکند. اگر بی حقوقی مطلق برای که کل توده مردم هست که هست را نشانه تکامل جامعه به جلو، جلوه ندهد. همه آن چه که چریان دارد در پوشش وطن پرستی و خدا پرستی و هزار توجیه کثیف دیگر پنهان میشود.

جمهوری اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نبوده و نیست. جمهوری اسلامی اگر کاری را خوب بلد باشد، البته بعد از شکنجه و کشتن مستقیم انسانها، این است که به نحو احسن میتوانند جنایتها و

خباثتهای خویش را پنهان کند و اینها را امر الهی جلوه دهد. و خواستههای مردم را "زیاده خواهی"، "رفاه طلبی کاذب" نشان میدهد و اینها را امر مردمانی میدانند که نمی خواهند کار کنند! اولین بار "امام راحل" شان در سال ۵۸ با بیان اینکه "اقتصاد زیر بنای الاغ است" نشان داد که چگونه می خواهند به درد و رنج مردم برسند. و آخرین شان که آخرین آن هم نخواهد بود، اسدالله بادامچیان از دارو دسته "هنیت های مولفه اسلامی" بیان کرده که مردم از سر زیاد خواهی دست به خود سوزی میزنند و اینها را "بازی سیاسی" میدانند!

مردم گرفتار آمده در دایره فقر و جنایتی که جمهوری اسلامی عالما و عامدانه سازمان داده مردمی زیاد خواه شمره میشوند. بیان عین کلام ایشان بهترین نمونه از توجیهات یا وقاحت کارشناسان بورژوا است. هر چند باید پذیرفت که کارشناسان بورژوازی سعی میکنند همین حرفها را در لفافه بگویند: "این پول (پول نفت) در خدمت همه مردم قرار گرفته، معمولاً چند دهک بالا دارای زندگی مرفه هستند. بخشی هم در سختی به سر می برند. دولت در حال رسیدگی است." "فرهنگ مردم تغییر کرده است. چرا در خانه خودمان تلاش نمی کنیم مریبا تولید کنیم."

"مردم حاضر نیستند یک مرغ در خانه شان نگهداری کنند چون بو میدهد، مبادا تخم مرغ شان را این طور تاملین کنند. از سه میلیون خانه بی که در تهران داریم چند نفر پرند دارند؟ چند نفر در گلدان شان ریحان می کارند تا نان و پنیرشان را با ریحان بخورند."

"مردم الان در صبحانه خود تخم مرغ درشت، ماست، کره، پنیر، شکلات و... دارند. می گوئیم چرا کار نمی کنید، خب کسی باید تولید کند، کسی بخورد."

ایشان مدعی است که خودسوزیها که اخیراً از سوی مردمی مستاصل و ناامید صورت گرفته "یک بازی سیاسی" است و معمولاً هم درمان میشوند!

حالا فکر کنید از جماعتی که اینچنین راجع به مصائب مردم می اندیشند و قدرت سیاسی را در دست دارند چگونه میخواهند به رفاه مردم بیاندیشد؟ این سخنان یک چیز را بیشتر از پیش ثابت میکند به ازای هر یک روزی که امثال ایشان در قدرت باشند فقر و مصیبت بیشتری برای ما کارگران رقم میخورد. حالا همان ها که فکر میکنند میتوان یک مو از ایشان کند و این خود غنیمت است بیندیشند که امثال ایشان را بهتر نیست با همه پشم و پيله اش در غار حبس کرد تا آثار نکبت شان از جامعه پاک شود؟

سایت حزب کمونیست کارگری ایران

www.wpiran.org

سایت کارگران

www.kagaran.org

سایت روزنه

www.rowzane.com

کارگر کمونیست را تکثیر کنید و آنرا بدست دوستان و
آشنایان برسانید!

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

حکومتی که کارگر حق طلب را سرکوب میکند باید سرنگون شود

پیامهای بینندگان کانال جدید در حمایت از کارگران دستگیر شده نیشکر هفت تپه

مقدمه:

کارگران نیشکر هفت تپه سالی پر از اعتراض و مبارزه را پشت سر گذاشتند. این مبارزات دستاوردهای بزرگی برای جنبش کارگری داشته است. از جمله، این کارگران در بیانیه ۶ ماده‌ای سال گذشته شان، بدرست بر مساله تشکیل مجمع عمومی بعنوان تشکل واقعی خود و ایجاد سندیکای کارگران تاکید گذاشتند و با مبارزاتشان این خواست خود را عملی کردند. با این کار کارگران نیشکر هفت تپه جنبش کارگری را گامی مهم به جلو بردند و نشان دادند که ایجاد تشکل کارگری امر خود کارگران است و بدین ترتیب راه چگونگی متشکل شدن و متحد ماندن را بطور عملی نشان دادند.

همچنین کارگران نیشکر هفت تپه با مبارزات متحد شان تا کنون توانسته اند دستمزدهای معوقه خود را از حلقوم کارفرمایان و دولت بیرون

بکشند. کارگران نیشکر هفت تپه اعلام کرده اند که اجازه نمیدهیم که دستمزدمان عقب بیفتد و با این کار در پیشاپیش صف مبارزه برای نقد کردن دستمزدهای پرداخت نشده که مساله توده عظیمی از کارگران، معلمان، بازنشستگان و بخش های مختلف جامعه است، قرار گرفته اند.

از سوی دیگر مبارزه کارگران نیشکر هفت تپه برای بیرون کردن حراست و شوراهاى اسلامی از این کارخانه است. حراست و شوراهاى اسلامی ابزار سرکوب رژیم در کارخانجات است. يك خواست کارگران کوتاه شدن دست آنها از محیط های کارگری و مبارزاتشان است. از جمله نقش سرکوبگرانه این ارگانها را در کارخانجاتی چون ایران خودرو، کیان تایر و در همه کارخانجات و مراکز کارگری شاهد بوده ایم. برای مثال در ایران خودرو اولین خواست اعتراضی کارگران کوتاه شدن دست حراست از

کارخانه بود و در کیان تایر نیز بیرون کردن شورای اسلامی از کارخانه و سپردن اطاق مخصوص آنان به نمایندگان واقعی و منتخب کارگران، يك عرصه کشاکش کارگران در این کارخانه بوده است.

کارگران نیشکر هفت تپه در این زمینه مبارزات جانانه ای داشته اند. این کارگران در سال گذشته بود که زیبوری رئیس حراست را از کارخانه بیرون انداختند و گفتند که اجازه نمیدهیم شوراهاى اسلامی در کارخانه تشکیل شود و تشکل خود سندیکای نیشکر هفت تپه را اعلام کردند.

مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه و دستاوردهای آن مکان ویژه ای به موقعیت این کارگران در جنبش کارگری داده است. ۵۰۰۰ کارگر نیشکر هفت تپه با خانواده هایشان و با کشاندن مبارزاتشان به سطح جامعه تا کنون توانسته اند به مرکز توجه نه تنها مردم در هفت تپه و شوش بلکه

در کل خوزستان و کل مراکز کارگری و کل جامعه تبدیل شوند. اینها همه سبب شده است که رژیم اسلامی همواره در کمین سرکوب این کارگران و شکستن صف اتحاد کارگران از طریق در هم شکستن تشکل این کارگران، سندیکای نیشکر هفت تپه بوده است. برای اینکار همواره نمایندگان و سخنگویان این کارگران و اعضای هیات مدیره این سندیکا را زیر فشار و تهدید قرار داده است. از همین رو در طول یکساله اخیر بارها و بارها اعضای هیات مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه که نمایندگان محبوب کارگران هستند، احضار، تهدید و دستگیر شده اند. برای آنها پرونده های قضایی تشکیل شده و مورد محاکمه قرار گرفته اند، اما هر بار با صف متحد مبارزه کارگران روبرو شده و ناگزیر به عقب نشینی شده اند.

آخرین مورد، دستگیری ۵ تن از اعضای هیات مدیره این سندیکا،

آقایان محمد حیدری مهر، قربان علیپور، جلیل احمدی، نجات دهلی، فریدون نیکوفر در ۱۲ اسفند ماه بود که بدنبال اعتراضات گسترده برای آزادی آنان، رژیم ناگزیر شد آنها را در تاریخ ۱۵ اسفند با قید وثیقه از زندان آزاد کند و هم اکنون نیز نجاتی رییس هیات مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه در زندان است و از تاریخ ۱۸ اسفند که دستگیر شده است، تا کنون خبری از او در دست نیست.

در اعتراض به این دستگیری ها و برای شکل دادن به يك کمپین گسترده برای آزادی فوری و بدون قید و شرط این کارگران، در ۱۴ اسفند، در کانال جدید برنامه ای مستقیمی بود که در آن بینندگان زیادی روی خط آمدند و صحبت های پرشوری کردند. در این جا متن پیاده شده صحبت های این بینندگان عزیز را درج میکنیم:

کارگران زندانی هفت تپه فورا باید آزاد شوند

برنامه ی از شهلا دانشفر

مردی از ایران: سلام به شهلا دانشفر عزیز. من هم از کارگران نیشکر هفت تپه و هم از کارگران ذوب آهن و از همه اقصای طبقه کارگر و آزادی برابری خواهان حمایت میکنم و معتقدم که در سایه اتحاد در کنار حزب کمونیست کارگری است که کارگران به حقوق خودشان میرسند و آرزوی روز نابودی جمهوری اسلامی خواهد بود. زنده باد حزب کمونیست کارگری.

از شهریار تهران: خانم دانشفر خسته نباشید سلام عرض میکنم. اولاً روز زن را به شما و به کل زنان ایران تبریک میگویی. من از کارگران هفت تپه حمایت میکنم. کارگران قهرمان هفت تپه اعلام کردند که با تظاهرات و با سرکار نرفتن و با اعتصاب میشود حقوق را گرفت. کارگران دنا و کارگران ذوب آهن هم به اعتصاب خودشان ادامه بدهند تا آنها هم بتوانند حق و حقوقشان را بگیرند. شخص من و بچه

هایی که در همین منطقه هستیم آزادی فوری کارگران هفت تپه را خواهیم. تا نگرگتن حق و حقوق خودشان و تا آزاد نشدن رهبران خودشان به اعتصاب خودشان ادامه بدهند و از مردم خود شوش و دزفول و آنهایی که همجوار این شهرستان هستند و از اکثر کارکنان هفت تپه هم خواهش میکنم که از این زندانیان حمایت کنند. اعتصاب مداوم کارکنان هفت تپه ثابت کرده که برای رسیدن به خواسته ها از این دولت قاصب و دزد و کثیف فقط باید اعتصاب کرد. من مجدداً روز زن را خانم دانشفر به شما تبریک عرض میکنم و از کارکنان هفت تپه حمایت میکنم و تمام ملت ایران باید بپا خیزند و حمایت کنند و فراخوان من به بچه های دزفول و از خانمها و آقایان دزفول و شوش اینست که از کارگران زندانی هفت تپه حمایت کنند و تا آزاد نشدن زندانیان پشتیبانی خودشان را ادامه بدهند. من محمد شهریار عضو حزب کمونیست کارگری هستم و از شهریار زنگ میزنم.

مردی از ایران: خانم دانشفر سلام بر

شما. سلام بر کسی که نمایندگی میکند صدای کارگران و صدای عامه زحمتکشان و صدای ضعفا و فقرا را، من فدای شما بشم. شما صحبتهایی میفرماید که اصلاً جایی برای گفتن برای ماها نمیگذارد. خانم دانشفر تصویر کارگران را در تلویزیون میبینم که دوتا دوتا، سه تا سه تا و چهار تا چهار تا باهم صحبت میکنند. من خیلی نگرانم و خیلی هم امیدوارم. خانم دانشفر باید تاکتیک را عوض کرد چونکه این لعنتی ها با نظام سرمایه جهانی ساخت و پاخت میکنند! من نگرانم! من مثل شماها نیستم و نمیتوانم در حد شماها باشم! من امیدوارم و کارگران باید امیدوار باشند و ما به آینده روشن و به آینده حکومت سوسیالیستی و حکومت برابری و حق خواهی و عدالت طلب امیدواریم. زنده باشید و تشکر از برنامه خوبتان.

کارگر کاغذ سازی هفت تپه: سلام و خسته نباشید. من از هفت تپه مزاحمتان میشوم. ببخشید شما در رابطه با کارگران شرکت کاغذ ساز که همجوار نیشکرند هیچ صحبتی

نمیکنید؟! تمام کارگران و کارکنان این منطقه از دولت عیدی و پاداش شان را گرفته اند و الان شورای امور اداری ما هم همه رفته اند تهران تا برای رضای خدا بیایند و يك عیدی برای ما بدهند. ما امروز زنگ زدیم به شورا و میگویند که با عیدی و مزایای ما موافقت کرده اند که بخشی از این مطالبات را بدهند و بقیه هم بماند برای بیستم فروردین سال آینده. من الان از هفت تپه دارم زنگ میزنم و زن و بچه ما گرسنه اند و ما باید بغیر از شما درهایمان را به کی بگیریم؟! من از این شبکه تشکر میکنم چونکه اگر این شبکه نباشد هیچکس به داد ما نمیرسد یعنی از ترس این شبکه است که زن و بچه ما يك لقمه نان پیدا میکنند و میخورند! ما خداوکیلی خدمتی را که شما دارید بما میکنید هیچکسی این خدمت را بما کارگران نمیکند! زنگ زدم که فقط از شما و همکارانتان تشکر کنم.

مردی از ایران: خانم دانشفر سلام. من از همه کارگران زندانی بویژه کارگران نیشکر هفت تپه حمایت میکنم و شلاق و زندانی کردن کارگران

و همه را که عملی وحشیانه است محکوم میکنم.

کارگر شرکت نفت: سلام خانم دانشفر. از اینکه با تلویزیون کانال جدید صحبت میکنم خیلی خوشحالم و متشکرم که لطف میکنید و پیام اعتراض مردم را به همه ایران میرسانید. من لازم است بگویم که در شرکت ملی نفت ایران افرادی کار میکنند تحت عنوان کارگر که در عین حالی که رسمی نیستند و رسمی شان نمیکند اینها هم مجبورند که قرار دادی کار کنند و پیمانکارشان حقوقشان را دیر به دیر میدهد و هر شش ماه یکبار حقوقشان را میدهند و بخاطر همین وضع زندگیشان بسیار بد است و متأسفانه میتوانند از وضعیت خوبی برخوردار باشند! بهرحال اینها هم بگویند که در همه ارگانهای دولتی تمام کارگران و کارکنان قراردادی را رسمی کنند تا تامین شغلی داشته باشند و حقوقشان را هم ماه بماه بدهند! حالا این حقوقهای دوست هزار تومانی چی هست که آنرا هم دیر به دیر میدهند؟! خیلی متشکرم.

اخباری از اعتراضات کارگری در سطح جهانی

محمد کاظمی

تظاهرات بیش از صد هزار نفر در ایرلند

روزشنبه بیست و یکم فوریه بیش از ۱۰۰ هزار نفر از مردم در دوبلین پایتخت ایرلند دست به تظاهرات زدند. موضوع اصلی تظاهرات اعتراض به مالیات بازنشستگی pension levy برای کارگران بخش خدمات بود، ولی کارگران بخش خصوصی نظیر کارگران ساختمانی، مهندسی، نمایندگان معلمان و کارگران آتش نشانی نیز در این تظاهرات شرکت کرده بودند. این درحالی بود که خط مقدم تظاهرات به کارگرانی که در اشغال شرکت Waterford Crystal و هم چنین نمایندگان ۱۱۰۰ نفر از کارگران شرکت SR Technic در حال بیکاری هستند اختصاص داده شده بود. این تظاهرات از طرف کنگره اتحادیه های کارگری فراخوان داده شده بود. روزنامه تایمز این تظاهرات را "دریای خروشان خشم" مردم توصیف کرد. خشمی که ریشه در وضعیت بد اقتصادی مردم دارد. واقعیت آنست که برای کشوری مثل ایرلند با جمعیت ۴ میلیون تظاهرات ۱۰۰۰۰ نفر بسیار چشم گیر است. ایرلند که در دهه ۹۰ بنام "Celtic Tiger" مشهور شده بود، می رود که به وضعیت اسفناکی چون ایسلند مبتلا گردد. جای یاد آوری دارد که ایرلند در آن دوران و برکت اقتصاد بازار آزاد از یک کشور نسبتاً فقیر اروپایی به یکی از ثروتمندترین کشورهای اروپایی تبدیل شده بود. اما در حال حاضر آقای کوین یکی از مقامات دولتی گفته است که اقتصاد ایرلند ممکن است تا سال ۲۰۱۰ به اندازه ۱۰٪ بدتر شود.

کشور ایرلند هم چنان بعد از تظاهرات در تاب و تاب بسمیرد. خانم اندا کنی رهبر حزب اپوزیسیون Fine Gael فراخوان یک انتخابات عمومی زود رس را داده است درحالی که اعلام کرده است که: "من آماده ام که کشور را از این حالت

خلا بسمت یک جهت جدید رهنمون شوم". و این درحالی است که اتحادیه معلمان برای یک اعتصاب احتمالی خود را آماده میکند.

اوکراین: کارخانه اشغال شده توسط کارگران به نام یک بلشویک نام گذاری شد

در اوایل فوریه امسال ۳۰۰ نفر از "کارگران کارخانه ساخت ماشین الات خرسون" در اوکراین کارخانه را به خاطر پرداخت نشدن حقوق معوقه به اشغال درآوردند. کارگران در همان ساعات اولیه بعد از اشغال کارخانه، مبادرت به انتخاب شورای کارگری و تنظیم خواسته های خود کرده و با گماشتن نگهبانی از کارخانه به محافظت پرداختند. مهمترین خواست کارگران پرداخت حقوق پرداخت نشده و ملی کردن کارخانه بدون پرداخت هیچگونه خسارت به کارفرمایان میباشد. کارخانه خرسون حدود ۱۳۰۰ کارگر دارد که از ماه سپتامبر ۲۰۰۸ هیچگونه حقوقی دریافت نکرده اند. رییس شورای کارخانه در یک مصاحته تلویزیونی محلی اعلام کرد که کارگران تا به انتها مبارزه خواهند کرد. او گفت: "ما برای یک جنبش عادلانه مبارزه می کنیم. ما پیروز خواهیم شد". علاوه بر این، در دیداری که نمایندگان شورای کارگران با فرماندار محلی داشته اند، فرماندار خواست ملی سازی کارگران را مورد پشتیبانی قرار داده و اعلام کرده است تا زمانیکه مالک کارخانه حاضر به شرکت به مذاکره با کارگران نباشد آنها محق به ادامه اشغال کارخانه خواهند بود.

آنچه که در این حرکت کارگران بسیار جالب به نظرمی رسد ابتکار آنها به تغییر نام کارخانه می باشد. تابلوی قدیمی کارخانه با نام "کارخانه ی ماشین سازی خرسون" پیش از اشغال کارخانه توسط مالکان کنده شده بود، زیرا آنها قصد داشتند تولید را متوقف کرده و کارگران را اخراج کنند و خطوط تولید را به عنوان آهن قراضه به فروش برسانند. اما حالا کارگران یک تابلوی

جدید برای کارخانه نصب کرده اند که این عبارت بر آن دیده می شود، "کارخانه ی دولتی ماشین سازی جی آی پتروفسکی خرسون". بنابراین کارخانه به نام یک بلشویک و رهبر کارگری زمان قبل از انقلاب روسیه، گئورگی ایوانوویچ پتروفسکی، نام گذاری شده است.

برگرفته از سایت:

Militant-Iranian
Revolutionary Marxists'
Tendency

تظاهرات ۴۰ هزار نفره کارگران در ترکیه

روز شنبه ۱۵ فوریه ۲۰۰۹، جمعیتی در حدود ۴۰ هزار نفر از کارگران و مردم ترکیه در مخالفت با سیاستهای دولت در استانبول دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات از طرف سه اتحادیه مهم کارگری منجمله "کنفدراسیون انقلابی اتحادیه های کارگری ترکیه" DISK فراخوان داده شده بود.

بر روی پلاکاردها از جمله این شعارها بچشم میخورد: "قرارداد جمعی حق مسلم ماست، اعتصاب اسلحه ماست"، "افزایش قیمت ها، تعقیب و شکنجه، از کرامات دولت عدالت و توسعه"، "کارخانجات سنگر ماست، نباید بسته شوند"، "ما بهای بحران را نمی پردازیم"، "بگذارید روسا بهای بحران را بپردازند". گروهی از کارگران کارخانه کشتی سازی که تعدادی از همکاران خود را در طی سالیان گذشته در اثر حوادث ناشی از کار از دست داده بودند در تظاهرات شرکت کرده بودند. بر روی پیش بندی که این کارگران پوشیده بودند نوشته شده بود "نه به جنایات محل کار".

تظاهرات ۱۵ فوریه در ترکیه در شرایطی صورت می گیرد که وضعیت اقتصادی ترکیه بشدت رو به وخامت است. تعداد بیکاران در عرض چند ماه گذشته بطور سرسام آوری سیر صعودی داشته است. آمار نشان میدهد که درصد بیکاران کنونی حتی از درصد بیکاران در سال ۲۰۰۱

های تصویب شده در لیسین در روزهای پانزدهم و شانزدهم دسامبر ۲۰۰۸ وفادار ماندند. یکی از قطع نامه ها بسیج و مبارزه در سطح جهانی در روز اول آوریل ۲۰۰۹ بمنظور مبارزه برای حقوق کارگران علیه استثمار می باشد. بندهای زیر از جمله بندهای قطعنامه می باشند:

- نه به بیکاری بیشتر کارگران؛ دفاع از حقوق اجتماعی و حقوق کارگران

- کاهش ساعات کار بدون کاهش حقوق ها؛ تقویت اتحادیه های کارگری

- توقف فوری جنگها، توقف سرمایه گذاری در ناتو و برای اسلحه های جنگی

- توقف فوری اشغال نظامی و بیرون کشیدن بی قید و شرط سربازان خارجی از عراق، فلسطین و کشورهای عربی و افغانستان

سالی که ترکیه دچار بحران وخیمی شده بود بیشتر شده است. اشاره کنیم که در سال ۲۰۰۲ و تحت سیاستهای "دولت عدالت و توسعه" میزان وسیعی از "داریی های عمومی" به بخش خصوصی فروخته شده است بطوریکه رقم ۸ میلیارد دلاری کل سرمایه در بخش خصوصی در دوره سالهای ۲۰۰۲-۱۹۸۵ به رقم ۴۱.۹ میلیارد دلار در دوره سالهای ۲۰۰۸-۲۰۰۳ رسیده است.

روز جهانی مبارزه برای حقوق کارگران علیه استثمار

فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری WFTU در بیانیه ای که در تاریخ هیجدهم فوریه ۲۰۰۹ در وب سایت خود درج کرده است از تمام اتحادیه های کارگری و سازمانهای مترقی خواسته است که به قطعنامه

داوود رفاهی

اعتراض کارگران ایرلند به کاهش حق بازنشستگی

روز شنبه ۲۱ فوریه بیش از ۱۲۰ هزار نفر از کارگران و مردم ایرلند دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات در دوبلین پایتخت ایرلند صورت گرفت و به فراخوان در کنگره اتحادیه های کارگری ایرلند (ICTU) صورت گرفت. تظاهرکنندگان به کاهش حقوق بازنشستگی ۳۵۰ هزار کارگر بخش خدمات عمومی که قرار است از جانب دولت صورت گیرد اعتراض داشتند و همچنین به فشاری که به بهانه بحران موجود روی کارگران و مردم گذاشته شده معترض بودند. بر اساس طرح جدید بازنشستگی از حقوق هر کارگر بازنشسته بین ۱۵۰۰ تا ۲۸۰۰ یورو در سال کاسته می شود. کارگران می گویند ما مسئول بوجود آمدن این بحران نیستیم، چرا باید هزینه آن از جیب ما پرداخته شود. Sally Anne Kinahan، رئیس هیئت مدیره ICTU در مصاحبه ای با بی بی سی گفته است: "ما می خواهیم اطمینان حاصل کنیم که دولت از منافع مردم حمایت می کند، نه از منافع شرکتهای بزرگ و ثروتمندان" بحران اقتصادی اخیر باعث بیشترین سطح بیکاری در ایرلند شده و تعداد کسانی که از بیمه بیکاری استفاده می کنند، به رقم ۳۲۶ هزار نفر رسیده که از سال ۱۹۹۷ تاکنون بی سابقه بوده است.

اعتصاب سراسری کارگران بنادر در کویت

روز دوشنبه ۱۲ مارس، صدها تن از کارگران سه بندر مهم شویخ، شعیبه و دوهه در کویت، دست از کار کشیدند. خواست کارگران اعتصابی افزایش ۳۵ درصدی دستمزدها و بهبود وضعیت کاری اعلام شده است. علی السکونی، رئیس اتحادیه کارگری بنادر گفته است: کارگران بطور فراگیر در این اعتصاب شرکت کرده اند و هم اکنون فعالیت در این سه بندر بطور کامل متوقف شده است. وی همچنین گفته است که تقریباً تمامی کارگران این بنادر به جریان اعتصاب پیوسته اند و تا پذیرفته شدن مطالباتشان توسط دولت، به سر کار خود باز نمی گردند. او در ادامه می گوید: برای ما راهی جز اعتصاب باقی نمانده است و مسئول خساراتی که در اثر اعتصاب به بنادر وارد خواهد آمد، کسانی هستند که با خواست کارگران مخالفت می کنند.

اخبار اعتراضات کارگری در ایران

تنظیم: محمد شکوهی

تجمع اعتراضی کارگران کارخانه آرد

بیش از ۲۰۰ نفر از کارگران کارخانه آرد روز چهارشنبه ۲۱ در اعتراض به دریافت نکردن چهارماه حقوق و عیدی و پاداش خود در برابر ساختمان این شرکت دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران اعلام کردند چنانچه مدیریت و کارفرما به خواسته‌هایشان جواب ندهد در روزهای آبی با خانواده‌هایشان در برابر مجلس حکومت دست به اعتراض خواهند زد. کارگران برای نقد کردن دستمزدهایشان مبارزات خود را دادامه داده و روز دوشنبه ۱۹ اسفند در برابر دفتر سهامدار این کارخانه تجمع اعتراضی برپا داشتند. تا رسیدن این خبر کارفرما جوابی به کارگران نداده است.

اعتراض کارگران لامپ البرز

به گزارش خبرنگار کانال جدید، کارخانه لامپ پارس در شیراز یکسال است که توسط شرکت توسعه صنعت ایران به بهانه اینکه مصرف لامپ‌های رشته‌ای سودمند نیست، بسته شده است. یکی از کارگران این کارخانه میگوید در حدود ۳۵۰ نفر در این کارخانه کار میکنند و او ۱۵ سال است در این کارخانه کار میکند. که همگی تعلیق شده‌اند و تنها ۱۵ نفر را نگاه داشته‌اند تا امور نظافت و حفاظت از کارخانه را برعهده دارند. تعطیلی کارخانه با اعتراض کارگران روبرو شد. در این مدت کارگران بطور متوالی مقابل استانداری و کارخانه و اداره کار تجمع داشتند. اما این اعتراضات نتیجه‌ای نداد. و شرکت توسعه و صنعتی ایران ۲۳ درصد سهام خود را به صندوق مهر که متعلق به بسیج و سپاه است فروخته است.

کارگران مخابرات راه دور ایران و حقوق‌های معوقه

حسین کارگر این کارخانه چند روز مانده به عیدی چنین میگوید: هنوز ۴ ماه از حقوق معوقه گذشته را طلب داریم. الان دم عید پول برای خرج و مرچ خانواده نداریم. امکانات مالی

کارخانه بسیار زیاد است. اما همه صرف دزدی‌های خودشان میشود. حقوق بهمین‌را تازه داده‌اند. و اکنون علاوه بر ۴ ماه طلب قبلی حقوق اسفند و عیدی و پاداش را طلب داریم. با این وضع چه بکنیم.

کارگران صنایع کیش چوب

کارگران و کارکنان شرکت صنایع کیش چوب بیش از ۵ ماه هست که حقوقی دریافت نکرده‌اند. این شرکت بیش از ۲۰۰ کارگر و ۱۰۰ کارکن دارد که با مشکل عمده دریافت دستمزد روبرو می‌باشند. کارگران می‌گویند تولید و فروش شرکت مطلوب بوده و کارفرما می‌تواند دستمزدهایشان را بپردازد ولی از پرداخت دستمزدها سرباز می‌زند. در دوره‌های گذشته هم کارفرما اقدام به عدم پرداخت دستمزدهای کارگران کرده بود که کارگران با تحصن و مبارزه موفق شده بودند حقوق‌هایشان را نقد بکنند. در این میان کارفرما اعلام کرده که هیچ تضمینی برای تکرار در تعویق پرداخت دستمزدها وجود ندارد. در نتیجه پیگیریهای کارگران کارفرما اعلام کرد که حقوق‌های بهمین ماه را پرداخته و حقوق اسفند و عیدی را در سال آینده پرداخت خواهد کرد.

فرش پارس قزوین

روزیکشنبه ۱۸ اسفند ماه ۱۵۰ کارگر این کارخانه در اعتراض به عملی نشدن وعده‌های کارفرما در مورد دریافت حقوق و مزایا در مقابل فرمانداری شهرستان البرز دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران تا به حال چندین تجمع برپا کرده و خواهان پاسخگویی کارفرما و پرداخت حقوق‌هایشان می‌باشند.

اعتراض در سامانیه پاکدشت

کارگران کارخانه سامانیه پاکدشت بیش از دو سال است که حقوق عقب افتاده خود را دریافت نکرده‌اند. کارگران در طول این مدت اعتراضات زیادی را برای گرفتن مطالباتشان به راه اندخته‌اند که تا کنون جوابی از کارفرما نگرفته‌اند. کارگران می‌گویند که ۵ سال پیش به دنبال

اختلافات بین کارفرمایان این کارخانه، کارفرما اقدام به اخراج ۳۰۰ کارگر کرده است. کارگران در اعتراض به سیاست عدم پرداخت دستمزد بارها به نهاد‌های دولتی مراجعه کرده و مبارزاتشان را ادامه داده‌اند. در همین رابطه قرار شده بود که مقامات دولت و کارفرمایان ه‌این موضوع رسیدگی نمایند، که این کار نشده است. در ادامه این اعتراضات کارگران این کارخانه روز چهارشنبه ۱۴ اسفند ماه در برابر ساختمان شماره ۲ قوه قضائیه اقدام به برپایی تجمع اعتراضی نمودند. کارگران خواهان پرداخت فوری دستمزدهای معوقه و سنوات کاری می‌باشند. دولت و کارفرمایان تا به حال جوابی به کارگران نداده‌اند. در طول هفته گذشته کارگران ۳ بار اقدام به برپایی تجمعات اعتراضی کرده‌اند. کارفرما و مدیریت بیش از ۲ میلیارد تومان به کارگران بدهکار می‌باشند. مبارزه و اعتراض کارگران کماکان ادامه دارد.

تداوم بیکارسازیها در قزوین

روز چهارشنبه ۱۴ اسفند کارفرمای شرکت سینگون تعداد ۴۰ کارگر را از کار اخراج کرد. کارفرمای این شرکت با خودداری از عدم تمدید قراردادهای کار این کارگران را عملاً اخراج نموده است. کارگران برای دریافت مطالبات خود به مقامات دولتی مراجعه کرده‌اند که تا رسیدن این خبر نتیجه‌ای نگرفته‌اند. شرکت سینگون تولیدکننده انواع شیر آلات و لوله می‌باشد براساس یک خبر دیگر شرکت اکتش قزوین روز سه سنبه ۱۳ اسفند در یک اقدام بی سابقه اعلام کرد که شرکت به مدت ۳ ماه تعطیل خواهد شد. با تعطیلی این شرکت نزدیک به ۳۰ نفر از کارگران بیکار شده‌اند.

شرکت ماشین سازی خرم آباد

روز سه شنبه ۱۳ نماینده مجلس رژیم از خرم‌آباد اعلام کرد که تعداد ۴۰ نفر از کارگران شاغل این شرکت به دلیل وضعیت بحرانی و پائین آوردن هزینه‌های تولید، تحت عنوان "قانون بازنشستگی مشاغل سخت و زیان آور" بازنشسته خواهند شد.

کارخانه چینی بهداشتی مینا

کارگران کارخانه چینی بهداشتی مینا روز یکشنبه ۴ اسفند ماه در ادامه اعتراض به احکام اخراج تجمعات اعتراضی شان را ادامه دادند. نزدیک به ۳۰۰ کارگر این کارخانه مدت یک هفته می‌باشد که با برپایی تجمع در اعتراض به احکام اخراج در مقابل کارخانه دست به تجمع می‌زنند. روز ۵ اسفند مدیریت این کارخانه با حضور در تجمع کارگران از کارگران خواست که بر سر کارهایشان برگردند که کارگران اعلام کردند به تجمعات خود تا پاسخگویی کارفرما ادامه خواهند داد. لازم به توضیح است که ۲۰۰ کارگر تا کنون اخراج شده‌اند. در ادامه سیاستهای کارفرمایان و صاحبان صنایع در طول چند ماهه گذشته بیش از هزار کارگر در استان قزوین اخراج شده‌اند. تعداد زیادی از این کارگران بخش بدون حقوق و بیمه‌بیکاری در بلا تکلیفی به سر می‌برند.

معدن زغال سنگ دنبو

بیش از ۶۰ کارگر معدن زغال سنگ دنبو سه ماه است که حقوق دریافت نکرده‌اند. کارفرمای این معدن در طول این مدت به بهانه مشکلات مالی از پرداخت حقوق کارگران سرزده است.

اعتصاب پرسنل بیمارستان مهر

نزدیک به ۵۰ نفر از پرسنل بیمارستان مهر ساری در اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق، عیدی و پاداش روزشنبه ۱۷ اسفند ماه دست به اعتصاب زدند. کارکنان اعتصابی خواهان حضور مسئولان در محل تجمع و پاسخگویی به خواسته‌هایشان شدند.

خبر دستگیر شدگان شهر مریوان

آزاد حسینی که در تاریخ ۱۹ بهمن در شهر مریوان همراه با خالد اسدی و سلام قادری دستگیر شده بودند، پس از تقریباً یک ماه روز پنج شنبه ۱۵ اسفند با وثیقه ۲۰ میلیون تومان آزاد شد. اما سلام قادری و خالد اسدی همچنان در زندان به سر می‌برند و تاریخ مشخصی جهت مراجعه آنها به دادگاه اعلام نشده

است. لازم به ذکر است که وضعیت سلامتی سلام قادری بسیار بد بوده و با وجود انواع بیماریها همچنان در زندان به سر می‌برند.

علی نجاتی از کارگران نیشگر

هفت هنوز در زندان است

روز یکشنبه ۱۸ اسفند ساعت ۱۱ صبح مأموران امنیتی به منزل مسکونی علی نجاتی رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشگر هفت تپه یورش برده و وی را با خودبردند و از وضعیت او هنوز خبری در دست نیست. این در حالی است که قبلاً یعنی در روز ۱۵ اسفند هفت نفر از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشگر هفت به اسامی فریدون نیکو فرد، رحیم بسحاق، رضا رخشان، محمد حیدری مهر، جلیل احمدی، نجات‌دلی و قربان علی‌سپور نیز دستگیر شده بودند که همگی آنها با قرار کفالت آزاد شدند. اتهامی که به این کارگران وارد شده است تبلیغ علیه نظام و ایجاد اغتشاش در شرکت نیشگر هفت تپه است. این کارگران بدنبال تلاش از سوی اداره کار و اطلاعات شهرستان شوش برای ایجاد شورای اسلامی در نیشگر هفت تپه بازداشت شدند تا بدینوسیله با ایجاد رعب در میان کارگران، قادر به تحمیل شورای اسلامی بر کارگران نیشگر هفت تپه گردند. کارگران نیشگر هفت تپه به این دستگیری‌ها و تهدید رهبران و نمایندگان خود معترضند.

احضار فعالین کارگری در سقز

صبح روز ۱۸ اسفند محمود صالحی، محمدعبدی پور و جلال حسینی به اداره اطلاعات سقز احضار شدند. این احضارها در ارتباط با گرامی‌داشت روز زن صورت گرفته بود. در روزهای قبل نیز چند نفر از فعالین کارگری به اطلاعات رژیم احضار شده بودند. بنا به گزارش کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری روز ۱۵ اسفند یک خواهر و برادر به اسامی فواد و شلیب مصطفی پورتوسط نیروهای لباس شخصی دستگیر وهم اکنون در بازداشت بسر می‌برند.

یک موفقیت برای کارگران پاریس سندج

روز ۲۱ اسفند ماه ۸۷ پاسخ دیوان عدالت اداری به شکایت کارفرمای پاریس از رای هیئت حل اختلاف اداره کار سندج به این اداره ابلاغ شد. این دیوان در رای خود ضمن حذف قید موقت از قراردادهای کارگران پاریس و تأیید کامل رای هیئت حل اختلاف اداره کار سندج، قرار موقت خود در مورد توقیف رای حل اختلاف را نیز ملغی و رای صادره را قطعی اعلام کرد. قضیه از این قرار است که کارگران پاریس ۱۳ شهریور ماه امسال بدنبال عدم پرداخت دستمزدهایشان از سوی کارفرما

پاریس در روز برگزاری جلسه هیئت حل اختلاف اداره کار سندج با در دست داشتن پلاکاردهایی در مقابل این اداره دست به تجمع زدند و خواهان بازگشت بکار و پرداخت تمامی مطالبات معوقه خود شدند. مبارزه متحدانه و آگاهانه کارگران پاریس سرانجام به صدور رای در هیئت حل اختلاف اداره کار سندج به نفع این کارگران شد. بطوریکه در رای مزبور علاوه بر رای بازگشت بکار کارگران پاریس و پرداخت مطالبات معوقه آنان از سوی کارفرما، قید موقت نیز از قرار دادهای آنان حذف شد. بدنبال این رای که به اتفاق آرا به نفع کارگران پاریس صادره شده بود، با توسل



کارفرمای پاریس به دیوان عدالت، از سوی دیوان حکم توقیف موقت رای هیئت حل اختلاف اداره کار سندج صادر شد. این مسئله بیش از پیش بر خشم و انزجار کارگران پاریس از وضعیت موجود دامن زد و آنان با در دست داشتن پلاکاردهایی دوباره اقدام به تجمع

اروپای شرقی، دوده بعد از "انقلابات مخملی و نارنجی"

روزیکشنبه اول مارس ۲۰۰۹، رهبران کشورهای عضو اتحادیه اروپا، EU درننشستی در بروکسل به بحث و گفتگو راجع به بحران اقتصادی ای پرداختند. روزنامه "تایمز آن لاین" در روز دوم مارس، مقاله ای تحت عنوان "پرده آهنگین جدیدی کشورهای ثروتمند و فقیر اتحادیه اروپا را تقسیم خواهد کرد" را به این مسئله اختصاص داده است. نویسنده مقاله بنقل از آقای فرنس گیرک سانی، رئیس جمهور مجارستان مینوسد: "نباید اجازه دهیم پرده آهنگین جدیدی درست شود و اروپا را به دو قسمت تقسیم کند". من پایتخت به سخنان آقای گیرک سانی و مجادلات رهبران EU درننشست بروکسل خواهم پرداخت. در این جا اجازه دهید مرور گذرایی به پرده آهنگین مورد نظر مقاله تایمز آن لاین و رئیس جمهور مجارستان داشته باشیم.

صورت گرفت اما در مواردی با اعدام ها و درگیریهای شدیدی نیز همراه بود. با قدرت گرفتن یلتسین در روسیه در سال ۱۹۹۱ عملاً بلوک شرق از هم پاشیده شد، دوران جنگ سرد بین آمریکا و شوروی به پایان رسید، دیوار برلین فرو ریخت و "پرده آهنگین" بین اروپای شرقی و غربی از بین رفت. پرده آهنگین دراصل اشاره به موانع نظامی، سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک بین بلوک شرق و اروپای غربی در سالهای

بین ۱۹۹۰-۱۹۴۵ بود. نتیجه این انقلابات رنگین "طفل شیرین دموکراسی" یا همان اجازه ورود اروپای شرقی به بازار آزاد بود. البته این را نیز باید اضافه کرد که ورود روسیه و سایر کشورهای اروپای شرقی به بازار آزاد با توپ باران و آتش کشیدن پارلمان این کشور ۱۳۰ میلیونی روسیه و کشتار نماینده گان متحصن در آن و با حمایت مالی و معنوی دولت آمریکا و بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، چه در موقع به ثمر رساندن این انقلابات وجه برای کمک به اقتصاد این کشورها، توأم بود. ژورنالیست های مزبور و اجیر شده، شکست بلوک شرق که در واقع شکست سرمایه داری دولتی در برابر سرمایه داری بازار آزاد بود را به پای پیروزی غرب، شکست کمونیسم، پایان تاریخ و آغاز جهان یک قطبی نوشتند. اما منصور حکمت

کشورهای اروپای شرقی را رد کردند. نه تنها این، بلکه این کشورها تحت فشار قرار گرفته تا بدهی های خود را به بانک های غربی بپردازند. جو غالب در جلسه رقابت بر سر دست یابی هر چه بیشتر به کمک های مالی از بانکهای غربی یا منابع دیگر بود. منجمله دولت های آلمان و فرانسه که شدیداً محتاج به کمک مالی هستند به مقررات EU راجع به کمک مالی به کشورهای اعتراض کرده و خواهان اصلاحات در آن شدند. هم چنین، درحاشیه جلسه اصلی بروکسل، مجارستان همراه با هشت کشور دیگر منطقه منجمله لهستان، جمهوری چکسلواکی و بلغارستان تشکیل جلسه داده تا مساله عدم اعتماد افزایش بین اروپای شرقی و غربی را مورد بررسی قرار دهند. این در شرایطی بود که وزیر اقتصاد لهستان در سخنرانی هفته پیش در پارلمان کشورش اعلام کرده بود که دولتش در "پی راه حل لهستانی برای مشکل لهستانی است". این کشمکش ها رقابت ها در شرایطی صورت می گرفت که در پایان جلسه یک روزه بروکسل همه نمایندگان سیاست حمایت از محصولات داخلی، پروتکشنیسم، و ناسیونالیسم را بعنوان راه حل مقابله با بحران رد کردند.

ورود کشورهای اروپای غربی به بازار آزاد / دموکراسی چیزی بجز تشدید فقر و فلاکت برای مردم کارکن



محمد کاظمی

و کارگر این کشورها بیار نیورده است. علاوه بر این، ورود نیروی کار ارزان این کشورها به بازار جهانی، بعنوان فاکتوری در تسریع بحران در جهان غرب عمل کرده است. ولی این رانیز نباید فراموش کرد که طبقه کارگر چه در اروپای شرقی و چه در اروپای غربی در طی این دوده هر چه بیشتر به بی ربط بودن سرمایه داری چه نوع دولتی و چه نوع بازار آزادش به زندگی خود پی برده است. اینکه دموکراسی چیزی بجز اسام رمزی برای بازار آزاد و سیاست های نیولیبرالیسم نیست برای بسیاری از کارگران و مردم دنیا امروز روشن است. نمونه هایی مثل روی آوری مردم به خواندن مجدد کاپیتال مارکس ویا نام گذاری کارخانه اشغال شده دراوکراین به اسم بلشویکی در روسیه قبل از انقلاب، در واقع بارقه هایی از يك حقیقت بسیار بزرگترند که از راه خواهد رسید. این حقیقت که طبقه کارگر و مردم دنیا چاره ای بجز متحد شدن در زیر پرچم مارکس و کمونیسم برای مقابله با نظام سرمایه داری ندارند.

صحنه های باشکوه همبستگی با کارگران صنایع فلزی

طبق گزارشی که اتحادیه آزاد کارگران ایران منتشر کرده است، روز یکشنبه ۱۱ اسفند کارگران صنایع فلزی شماره دو که بیش از ۳۰۰ نفر میباشند در مقابل کارخانه جمع شدند و بطرف مجتمع قضائی یافت آباد راهپیمائی کردند. کارگران پلاکاردهائی علیه حکم بازداشت شش نفر از رفقای خود و نپرداختن ۱۰ ماه حقوق خود در دست داشتند. طبق گزارشی که به حزب رسیده است روز ۱۰ اسفند کارگران، مانع خروج بیان الحق مدیر عامل صنایع فلزی از کارخانه شدند و بدنبال شکایت بیان الحق و با مشارکت و جاسوسی شورای اسلامی هشت نفر از کارگران به دادسرا احضار شدند و حکم بازداشت شش نفر از آنها صادر شد و از کارگران خواسته شد با در دست داشتن وثیقه به دادسرا مراجعه کنند. کارگران طوماری امضا کردند مبنی بر اینکه

بیان الحق خودش همراه کارگران به کارخانه آمده و همه کارگران در نگهداشتن او در کارخانه نقش داشته اند. در پاسخ به حکم دادگاه کارگران تصمیم گرفتند دسته جمعی به مقابل مجتمع قضائی یافت آباد بروند و به حکم بازداشت همکاران خود اعتراض کنند. طبق گزارش اتحادیه آزادی کارگران، این راهپیمائی يك ساعت و نیم به طول انجامید و مورد استقبال گرم و پرشور کارگرانی که در مسیر راهپیمائی بودند قرار گرفت. طبق این گزارش موقعی که کارگران صنایع فلزی به مقابل کارخانه آردل رسیدند کارگران این کارخانه با تجمع در پشت درهای بسته با هورا کشیدن و بالا بردن پلاکاردی مبنی بر عدم دریافت چهارماه از دستمزدهای خود به ابراز احساسات با رفقای کارگر خود در صنایع فلزی پرداختند.

توطئه علیه کارگران در پتروشیمی ماهشهر

را خنثی کنیم

بنا به گزارشی که روز ۲۳ اسفندماه به حزب رسیده است، در روزهای پایانی سال، مدیران برخی از مجتمع های پتروشیمی در منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر دست به اقدامات ضدکارگری زده و تصمیم دارند تعدادی از کارگران را درست در روز کاری آخر سال اخراج کنند. کارفرمایان در روزهای قبل از تعطیلی نوروز دست به اخراج میزنند که کارگران فرصت اقدام دسته جمعی نداشته باشند. گفته میشود مدیران مجتمع پتروشیمی غدیر تصمیم دارند ۲۰۰ کارگر این شرکت را در آخرین روز کاری اخراج کنند. حزب کمونیست کارگری اقدام

تجمع اعتراضی کارگران نی بر کشت

و صنعت کارون شوستر در مقابل مجلس شورای اسلامی

بنا به خبر مهرداد امیری خبرنگار حزب، جمعی از کارگران نی بر شرکت کشت و صنعت کارون به نمایندگی از طرف ۳۰۰۰ کارگر نی بر این شرکت، به تهران رفته و در ادامه مبارزات خود برای مطالبات بر حششان صبح روز شنبه ۱۷ اسفند در مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند و طی نامه ای اعتراضی به رئیس مجلس خواستار حل فوری مشکلاتشان شدند. همچنین روز هجده اسفند ساعت ده صبح برای دومین روز متوالی این کارگران در مقابل مجلس شورای اسلامی دست به تجمع اعتراضی زدند و خواهان حل فوری مشکلات خود شدند. کارگران کشت و صنعت کارون شوستر تا کنون به اشکال مختلف منجمله راهپیمائی و تجمع در جلوی دفتر شرکت و فرمانداری شهرستان شوستر دست زده اند و به تمام مقامات جمهوری اسلامی طی سی سال اخیر بر رفع مشکلاتشان تاکید کرده اند اما تا کنون نتیجه ای نگرفته اند. در حالیکه کار نی بری از سخت

اعتراض کارگران لاسیک دناي شیراز

مدیریت قول داد کارگران اخراجی را به سر کار برگرداند و دستمزدها را بپردازد

بنا به خبری که به حزب کمونیست کارگری رسیده است در روزهای هفته اول اسفند بیش از هزار کارگر کارخانه لاستیک دنا شیراز در اعتراض به اخراج ۱۶ نفر از همکارانشان و نیز به دلیل عدم پرداخت دو ماه حقوق بهمین و اسفند و سه دوره کارانه مربوط به سالهای قبل و سال جاری و همچنین پاداش سال ۸۶ خود در چند روز متوالی دست به اعتصاب زدند. در همین رابطه روز ۱۲ اسفند بیش از ۱۰۰۰ کارگر این کارخانه در تجمع اعتراضی با در دست داشتن پلاکاردهایی که بر روی آنها مطالباتشان نوشته شده بود، دست به اعتراض و راهپیمائی زده و خواهان رسیدگی به خواستههایشان شدند. کارگران به عدم پرداخت چند ماهه حقوق و مزایا و اعتراض به اخراج ۱۶ نفر از همکارانشان معترض بوده و خواهان پاسخگویی کارفرما می باشند.

روز ۱۳ اسفندماه کارگران این کارخانه به اعتصاب خود ادامه داده و برخواستهایشان تاکید کردند. اکثر کارگران این کارخانه که ۱۳۰۰ نفر میباشند در این اعتصاب شرکت کردند و همزمان در مقابل کارخانه تجمع کردند. کارفرمای این شرکت با بی شرمی اعلام کرده بود که عدم تامین نقدینگی علت تاخیر در پرداخت دستمزدهای کارگران می باشد. کارگران می گویند که این امر واقعیت نداشته و کارخانه با تمام ظرفیت کار کرده و فروش دارد. کارگران لاسیک دنا در مقابل هر مورد تاخیر در پرداخت دستمزدها دست به اعتصاب و اعتراض زده اند و اعلام کرده اند که حی یک ماه تاخیر در حقوق را هم نمیپذیرند و در مقابل آن دست از کار خواهند کشید. هم اکنون کارگران حقوق بهمین و اسفند و مزایای خود را دریافت نکرده اند. این خبر می افزاید که کارگران خشمگین از این وضعیت به روسای کارخانه حمله کرده

مبارزاتشان حمایت کنند.

کارگران لوله سازی خوزستان دست به تجمع و راهپیمائی زدند

صدها نفر از مردم اهواز به صف کارگران پیوستند



نیروهای سرکوب کارگران را مورد ضرب و شتم قرار دادند

بنا به گزارش مهرداد امیری خبرنگار حزب و کانال جدید، کارگران لوله سازی خوزستان در اهواز دست به تجمع و راهپیمائی زدند و صدها نفر از مردم اهواز به آنها پیوستند. تجمع کارگران در ساعت ۸ و نیم صبح روز ۱۹ اسفند (۹ مارس) در مقابل ساختمان هزار و یک واقع در میدان شهدای اهواز شروع شد. کارگران معترض خواستار پرداخت دستمزدهای معوقه خود از ۷ تا ۹ ماه بودند. آنها خواست خود را برای جلب توجه مردم بر روی پلاکاردی نوشته بودند.

کارگران علی‌رغم تهدیدات و حضور وسیع نیروهای امنیتی و انتظامی ۲ ساعت بر روی اسفالت و پیاده رو میدان نشستند و از مدیریت شرکت خواستند تا بمیان کارگران آمده و به خواستهای حق طلبانه آنها پاسخ دهد. تجمع اعتراضی کارگران موجب راه‌بندان و ترافیک شدیدی در میدان شهدا و تمامی طول مسیر خیابان ۲۴متری شد که تا حد فاصل پل سیاه

ادامه داشت.

کارگران که تعدادشان به ۴۰۰ نفر رسیده بود با سردادن شعارهای چپ و رادیکال علیه مدیریت شرکت و "معیشت، منزلت حق مسلم ماست" که به شعار محوری آنها تبدیل شده بود و "مرگ بر سرمایه دار"، "۹ ماه حقوق کارگر پرداخت باید گردد" در صفوف منظم در ساعت ده و نیم صبح دست به راهپیمائی از میدان شهدا به سمت ابتدای پل نادری زدند و سپس وارد خیابان نادری شدند و بطرف چهار راه نادری که مرکز شهرستان اهواز است بحرکت اعتراضی خود ادامه دادند. در تمامی طول مسیر راهپیمائی و همچنین در میدان شهدا، مردم اهواز از حرکت کارگران به اشکال مختلف حمایت میکردند و به صفوف آنان میپیوستند بطوریکه تعداد آنها به بیش از هزار نفر رسید. نیروهای امنیتی و انتظامی که نگران گسترش این اعتراض و پیوستن بیشتر مردم بودند، کارگران را در محاصره خود گرفته و از پیوستن بیشتر مردم به صفوف آنان جلوگیری میکردند.

حضور عوامل لباس شخصی اطلاعاتی که برای شناسائی و ارباب کارگران و مردم معترض در اطراف کارگران گرد آمده بودند، قادر نشد از ادامه مبارزه کارگران و جوانان و مردم جلوگیری کند.

سرانجام راهپیمائی کارگران با یورش نیروهای انتظامی و ضرب و شتم کارگران و متفرق ساختن آنان حوالی ظهر موقتا پایان یافت. کارگران اولتیماتوم دادند چنانچه دستمزدهای معوقه آنان فوراً پرداخت نشود اینبار همراه با همسران و فرزندانشان دست به تجمع در مقابل استانداری و راهپیمائی در خیابانهای اصلی شهرستان اهواز خواهند زد.

لازم به ذکر است که شرکت لوله سازی خوزستان در یک کیلومتر هفت جاده ترانزیتی اهواز- خرمشهر واقع است و قریب ۷۵۰ تا ۸۰۰ کارگر در آن مشغول بکار بوده‌اند و مدیریت از ابتدای مرداد ماه امسال به همه کارگران پانزده روز مرخصی اجباری داده بود که بعد از بازگشت کارگران به تعطیلی کارخانه تا پانزده شهریور

ادامه داد. بدین ترتیب از اول مرداد تا ۱۵ شهریور بمدت یکماه و نیم کارخانه تعطیل گردید. هم‌اکنون کارخانه به حال تعطیل درآمده و خطر اخراج کارگران را تهدید میکند. به کارگران گفته شده که قرار است ده میلیارد وام به شرکت پرداخت شود تا کارخانه راه اندازی شود و یک بخش از این وام توسط بانک ملت شهر اهواز پرداخت شده است. کارگران از هفت تا نه ماه دستمزد طلبکارند. تعداد کارگران قرارداد موقت ۳۵۰ نفر و هر کدام از کارگران دستمزدی بین ۲۵۰ تا ۲۸۰ هزار تومان دستمزد میگیرند و دستمزد کارگران رسمی بطور میانگین بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان است.

کارگران برای احقاق حقوق خود تا کنون بارها دست به تجمع جلوی استانداری و بستن جاده اهواز- خرمشهر، تجمع جلوی ساختمان هزار و یک که دفتر مرکزی شرکت در آن واقع است و راهپیمائی در خیابانهای اصلی شهرستان اهواز زده‌اند و هر بار توانسته‌اند یک تا دو ماه از طلب خود

را از حلقوم دولت و کارفرما بیرون بکشند. بنا به همین گزارش نیروی انتظامی تدابیر امنیتی و ترافیکی شدیدی را از روز سه شنبه ۲۰ اسفند بمرور اجرا گذاشته و خیابان طالقانی و از ابتدای خیابان طالقانی بطرف چهارراه نادری را یکطرفه اعلام کرده است و بر حضور نیروهای خود افزوده است.

حزب کمونیست کارگری از کارگران لوله سازی خوزستان در اهواز قاطعانه حمایت میکند و ضرب و شتم کارگران را شدیداً محکوم میکند. حزب به مردم آزادبخواه اهواز بخاطر حمایت از کارگران لوله سازی درود میفرستد و خانواده های کارگران و مردم اهواز و سایر مراکز کارگری را به حمایت فعال و گسترده از کارگران لوله سازی و پیوستن هرچه گسترده تر به راهپیمائی ها و تجمعات آنها فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۲ اسفند ۱۳۸۷، ۱۲ مارس ۲۰۰۹

منصور اسانلو و ابراهیم مددی هنزر در زندانند

منصور اسانلو در ۱۹ تیر ۹۶ دستگیر و روانه زندان اوین شد و چندی بعد اعلام شد که او به ۵ سال زندان محکوم است و از آن تاریخ در زندان بسر میبرد. چندی پیش منصور اسانلو را از زندان اوین به رجایی شهر کرج منتقل کردند. ابراهیم مددی نایب رئیس سندیکای کارگران شرکت واحد در روز ۷ دی ۸۷ با اجرای حکم ۴۲ ماه زندان که از سوی شعبه ۱۴ دادگاه انقلاب صادر شده بود، دستگیر و به

کارگران مبارزه برای افزایش دستمزدهای زیر خط فقرشان و مبارزه آنان برای تثبیت حق بریابی تشکل خود، سندیکاست و جمهوری اسلامی بیش‌رمانه برای این کارگران تحت عنوان اقدام علیه امنیت ملی احکام زندان صادر کرده است. این اقدام جمهوری اسلامی یک گستاخی آشکار در حق این کارگران و در حق کل طبقه کارگر و کل جامعه است و باید با اعتراض گسترده کل مردم پاسخ بگیرد.

امور اجتماعی شمال تهران در هفتم دیماه حکم اخراج ابراهیم مددی از کار را تاکید کرد. در این حکم مقرر شده است که در قبال پرداخت ۵۴ میلیون تومان بابت حقوق معوقه و حق سنون به ابراهیم مددی از سوی شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، کار او در این شرکت پایان می‌یابد. اما پیشتر دیوان عدالت اداری جمهوری اسلامی طی حکمی رای هیات اختلاف اداره کار در خصوص اخراج ابراهیم مددی را نقض کرده بود. ابراهیم مددی که هم‌اکنون به جرم

زندان اوین منتقل شد. او روز دوشنبه ۲۳ دی ساعت ۱۰ صبح جهت رسیدگی به پرونده دستگیری به دادسرای انقلاب منتقل و بعد از اعلام آخرین دفاعیات خود، مجدداً در ساعت ۱۳ به زندان اوین منتقل شد. هیات حل اختلاف اداره کار و امور اجتماعی شمال تهران نازترین رای خود به استناد ماده ۱۶۵ قانون کار قطع رابطه کاری نایب رئیس سندیکای کارگران شرکت واحد را تاکید کرد. هیات حل اختلاف اداره کار و

گزارشی از ذوب آهن اصفهان و اعتراض آنها

گزارشی از محمود یونسی خبرنگار کانال جدید از اصفهان

ذوب آهن اصفهان ۱۸۰۰۰ کارگر دارد. ۱۰ هزار شرکتی و ۸ هزار رسمی. از میان کارگران رسمی بخشی روزکار ثابت هستند که از ساعت ۷ صبح تا ۴ عصر کار میکنند. باقی شیفت چرخشی هستند که سه نوبت است. ساعت ۶ تا ۳ عصر. ۳ تا ۱۱ شب و ۱۱ تا صبح. حداقل حقوق کارگران شرکتی میانگین ۲۷۰ هزار تومان است. که خیلی اوقات به تعویق می افتد. حقوق کارگران رسمی در هر بخش بنا به سختی کار و شیفت کاری و غیره تفاوتی می کند که میانگین آن بین ۴۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان است. بخش های مختلف ذوب آهن عبارتند از ریخته گری، نورد، کامپوزیتور، ضایعات، اکسیژن، نیروگاه حرارتی، کارگاههای تراشکاری، کوك سازی، حمل و نقل، رفاه، تعاون، بخش اداری و... در هر بخش کارگران نمایندگان خود را انتخاب کرده اند. در این اعتصاب بعد از اینکه به کارگران گفته شد که طرح را به تهران فرستاده اند تا جواب داده شود، نمایندگان موضوع را به میان کارگران بردند. کارگران اعلام کردند که به اعتراض

خود ادامه میدهند. بدین ترتیب از روز ۱۰ اسفند تا ۲۵ اسفند که گفته شده به کارگران پاسخ داده میشود کارگران اعلام کرده اند در ادامه اعتراضاتشان و برای پیگیری خواستههایشان از رفتن به غذاخوری خودداری خواهند کرد. کارگران خواهشهای خود را بصورت يك بیانیه منتشر کرده اند و در آن خواستههای زیر را طرح کرده اند:

۱. افزایش سقف وام مسکن همانند مجتمع فولاد و پرداخت ما به التفاوت آن به کلیه کارکنان (نه فقط تعاونی مسکن)
۲. پرداخت حق جذب همانند مجتمع فولاد
۳. پرداخت پاداش به کارگران همه شرکت ها به دلیل سهم همه آنها در تولید
۴. تامین امکانات رفاهی و تفریحی و سیاحتی (بن خرید رستوران کارت سفر لوازم ورزشی و...)
۵. پرداخت ۳۰۰۰ تومن پذیرایی به پرسنل کلیه شرکت ها
۶. پرداخت عادلانه حقوق پرسنل شرکتی و افزایش سهم آنها از وجوه

پرداختی ذوب آهن به شرکت ها
۷. برقراری بیمه تکمیلی درمان برای کلیه پرسنل همانند مجتمع فولاد
۸. رسیدگی به وضع رقت بار بازنشستگان ذوب آهن (که خود را در آینه آنها می بینیم) و عملی شدن قول های مسئولین ارشد استان به ایشان
مجتمع فولاد مبارکه و ذوب آهن اصفهان زیرمجموعه شرکت ملی فولاد هستند و هر دو به يك میزان کارگر دارند که بیشتر آنها پیمانی هستند. کارگران ذوب آهن از امکانات کمتری نسبت به فولاد مبارکه برخوردارند. ناامنی شغلی و عدم بهداشت محیط کار از معضلات جدی کارگران ذوب آهن است. این موضوع باعث بیماری های ناشی از کار و آسیب های جدی در میان کارگران شده است.

کارخانه ذوب آهن اصفهان در سال ۱۳۵۰ شمسی تاسیس شده و تخمین زده می شود در حدود ۴۵۰۰۰ نفر بازنشسته داشته باشد. تبعیض میان حقوق بازنشستگان این کارخانه با سایر ارگان ها و سازمان های دولتی موضوع اعتراض این کارگران است و به این خاطر بارها دست به اعتراض زده اند. از جمله روز ۱۲ آذرماه امسال بیش از ۱۰۰۰ نفر از کارگران بازنشسته و کارگران قراردادی ذوب

آهن اصفهان در مقابل این مجتمع دست به تجمع زدند و اتوبان اصفهان شهر کرد را مسدود کردند. کارگران بازنشسته ذوب آهن خواهان افزایش حقوق بازنشستگی و همسان سازی حقوق خود با سایر بازنشستگان شدند. قبل از آن در ۲۰ آبان نیز شمار زیادی از کارگران بازنشسته ذوب آهن در روز در مقابل کانون بازنشستگان شهر اصفهان اجتماع کردند. آنان علیه سطح نازل حقوق بازنشستگی، وضعیت بسیار بد معیشتی و

خودداری دولت از پرداخت حقوق اولیه معیشتی و انسانی آن ها دست به اعتراض زدند. که این اجتماع در همان لحظات نخست مطابق معمول با تهاجم نیروی سرکوب مواجه شد. پلیس و نیروهای امنیتی با حداکثر شتاب برای متفرق کردن کارگران دست به کار شدند. کارگران بازنشسته ذوب آهن همواره در اعتراض به وضعیت خود تجمعات اعتراضی داشته اند.

خبرنگار کانال جدید
۱۲ اسفند ۱۳۸۷ (۲ مارس ۲۰۰۹)

اعتراض کارگران ذوب آهن ادامه دارد

روز ۱۰ اسفند ماه -اعتراض کارگران ذوب آهن اصفهان از طریق عدم دریافت غذای کارخانه از قسمتهای مختلف این کارخانه منجمه کارگاههای نورد ۶۵۰، نورد ۵۰۰ و نورد ۳۰۰ بخش فولادسازی- به ویژه کارگاه ریخته گری - مدیریت آبرسانی و رستوران ۷ و ۸ و سایر قسمتها آغاز شد -روز ۱۱ اسفند ماه بخشی از کارکنان آزمایشگاه مرکزی، هدایت فنی راه آهن و... نیز به اعتصاب پیوستند
- روز ۱۲ اسفند کارگران کوره بلند

نیز با جمع آوری زتون های غذا، آنها را پاره کرده و به همکاران اعتصابی خود در سایر قسمتها ملحق شدند. در این روز رستوران ۷ و ۸ که نزدیک به کانون اعتصاب است با ۱۴۰۰ پرس غذای مازاد مواجه شد.
- روز ۱۳ اسفند ماه کارگران راه آهن نیز همراه با سایر کارگران از دریافت غذای کارخانه خودداری کردند و بدین ترتیب اعتصاب نمادین کارگران ذوب آهن اصفهان با پیوستن تدریجی بسیاری از بخشهای کارخانه به اعتصاب، ابعاد و دامنه هر چه بیشتری پیدا کرد.

کارگران کارخانه نوشاب تهران موفق شدند یکماه دستمزد معوقه خود را دریافت کنند

ناچیز خانواده های کارگران را هر چه بیشتر به پرتگاه متلاشی شدن می راند. حزب کمونیست کارگری از اعتصاب و خواست بحق کارگران نوشاب تهران حمایت می کند و از همه کارگران و مردم آزاده تهران می خواهد که از اعتصاب آنها حمایت کنند. راه مقابله با وعده و وعیدهای دروغین و سرخرمن سرمایه داران و دولتشان اتکاء به تصمیم گیری در مجامع عمومی کارگران، بسیج خانواده ها و مراکز کارگری و خبررسانی مرتب است. ما همه کارگران، از جمله کارگران نوشاب تهران را به برگزاری منظم مجمع عمومی خود فرامیخوانیم.

در هفتمین روز اعتصاب خود، ساعت ۱۰ صبح به اعتصاب خاتمه داده و بر سرکارشان بازگشتند.
بر اساس گزارش سایت اتحاد، کارگران نوشاب روز سه شنبه ۱۹ اسفند یکماه دیگر از دستمزدهای معوقه خود را دریافت کردند و قرار است شنبه ۲۴ اسفند، یکماه دیگر نیز از دستمزدهای معوقه آنان پرداخت شود. در ارتباط با این حرکت اعتراضی کارگران حزب کمونیست کارگری ایران در اطلاعیه ای در ۱۸ اسفند مینویسد: عدم پرداخت دستمزد کارگران يك جنایت است. در کشوری که دستمزد کارگران چند بار زیر خط فقر است، نپرداختن همین دستمزدهای

ما را تماما خواهد پرداخت خواهد کرد و بار دیگر از کارگران خواست بر سر کارهایشان بازگردند که کارگران برخاست خود پافشاری کرده و اعلام کردند هر زمان پول بدستشان رسید به اعتصاب پایان خواهند داد.
روز یکشنبه ۱۸ اسفند مدیریت به کارگران اعلام کرد که طبق توافق قبلی يك ماه از دستمزدهای کارگران را به حساب آنان واریز کرده است و از کارگران خواست بر سرکارهای خود باز گردند اما کارگران اعلام کردند تا پول دستمان نرسد شروع بکار نخواهیم کرد.
بدنبال این وضعیت و با اصرار مدیر عامل کارخانه، تعدادی از کارگران به بانک مراجعه کردند و پس از تأیید صحت واریز پول به حساب،

مدیر کارخانه اعلام کرد که پولی در کار نیست. کارگران نیز اعتصاب خود را ادامه دادند.
بنا به گزارشات رسیده، مدیر عامل کارخانه در ۱۷ اسفند که ششمین روز اعتصاب کارگران بود ناگزیر به عقب شد و به کارگران وعده داد که علی الحساب ۳۰ میلیون تومان را پرداخت خواهد کرد و از کارگران خواست که بر سر کارهای خود بازگردند. اما کارگران ضمن رد این پیشنهاد قاطعانه اعلام کردند تا دریافت کل مبلغ ۳ ماه از دستمزدهایشان که مورد توافق قرار گرفته است به اعتصاب خود پایان نخواهند داد. بدنبال این التیماutom، مدیر عامل کارخانه به کارگران گفت که روز یکشنبه ۱۸ اسفند دستمزد سه

بنابه خبری که در سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران منتشر شده است، اعتصاب کارگران کارخانه نوشاب تهران که ۲۵۰ کارگر دارد، از روز دوازده اسفند در اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه دستمزد و عیدی خود دست به اعتصاب زدند. نمایندگان کارگران در دومین روز این اعتصاب با نماینده اداره کار، مأمورین اطلاعات و مدیر کارخانه جلسه ای داشتند که به نمایندگان کارگران قول داده شد ۳ ماه از دستمزدهای معوقه شان قبل از عید و طی ۳ مرحله در روزهای ۱۴ تا ۱۷ و ۲۰ اسفندماه و دو ماه باقیمانده از دستمزدهای معوقه به همراه عیدی کارگران بعد از تعطیلات سال نو به کارگران پرداخت شود. اما با گذشت تنها چند ساعت از توافق بعمل آمده،

زنده باد جنبش مجمع عمومی!

کارگران ایران خودرو هفده اسفند، سالروز اعتصاب سال ۸۴ را گرامی می دارند

بخشی از اطلاعیه کارگران ایران خودرو در گرامی‌داشت سالروز اعتصاب سال ۸۴ آنها و اعلام خواستهای کارگران:

افزایش دستمزدها و برخورداری از یک زندگی انسانی حق مسلم ماستدر سالروز اعتصاب هفده اسفند به مبارزه برای افزایش دستمزدها پیوندیم

دوستان و همکاران گرامی

روز شنبه هفدهم اسفند ماه سالروز اعتصاب شکوهمند کارگران ایران خودرو در سال ۸۴ می باشد. سه سال پیش در چنین روزی عده ای از همکارانمان به عنوان اعتراض به کم بودن پرداخت رکورد تولید در سالنهای تولید تجمع کردند و به دنبال اعتراض کارگران این مساله در شرکت به یک اعتصاب همگانی در آمد. عده ای از دوستان ما به خاطر اعتراض بر علیه کم بودن حق رکورد تولید که خود مدیریت اعلام کرده بود که اگر کارگران در روزهای تعطیلی و غیر کاری در سرکار حاضر شوند و تعداد تولید خواسته شده را تولید کنند مبلغی به عنوان حق رکورد تولید به کارگران پرداخت خواهد کرد و ما کارگران در روزهای تعطیلی و جمعه ها از زندگیمان زدیم و در سرکار حاضر شده و رکورد تولید را شکستیم ولی مدیریت زیر قرار خود زد و مبلغی به

ما کارگران پرداخت کرد که کمتر از یک پنجم مبلغ اعلام شده بود و برای همین کارگران اعتراض کردند و بلافاصله کمیته اعتصاب شکل گرفت و اعتصاب ادامه یافت.

هراس مدیریت از گسترش ادامه اعتصاب و ورود شبانه اعضای بلند پایه مدیریت به سالنهای و قول آنها مبنی بر برآورده ساختن خواسته کارگران باعث بعد از سه روز پایان یافت ولی بعد از گذشت چند ماه مدیریت عده ای از همکاران و فعالین اعتصاب را شناسائی و با ترفندهای زیرکانه (بهبانه پایان قرارداد) از کار اخراج کرد و عده ای را نیز به سالنهای دیگر تعیید کرد و با تغییر شکل دادن در پرداخت رکورد تولید که در واقع همان افزایش آکورد تولید است و با کنار گذاشتن چند تن از مدیران ارشد از جمله مدیر حراست؛ پناهنده و رئیس روابط عمومی؛ غضنفری و مدیران مونتاز چهار و رنگ توانستند تا حدودی از فشار این مساله بکاهند.

با وجود اعتراض ما کارگران که اعتقاد داریم این افراد بخاطر شرکت در اعتصاب اخراج شده اند ولی مدیریت از بازگشت آنان به کار خوداری می کند. اخراج آنها را به بهانه پایان قرارداد اعلام می کند ولی ما کارگران ایران خودرو در سالگرد این اعتصاب خواهان بازگشت بدون قید و شرط همکاران خود به سرکار می باشیم.

ما روز هفدهم اسفند ماه که مصادف با روز اعتصاب شکوهمند ما کارگران است را گرامی داشته و این روز شکوهمند را به همه همکاران تبریک می گوئیم و همچنان برای رسیدن به خواسته های خود تلاش می کنیم

ما اعتقاد داریم که آگاهی مبارزه تشکل و اتحاد تنها راه پیروزی ما کارگران است.

۱- ما خواهان داشتن تشکل آزاد خودمان می باشیم. داشتن تشکل آزاد کارگری حق مسلم ماست ما علیه دولت، مدیریت و وزارت کار که از ایجاد هر گونه تشکل کارگری جلوگیری می کنند. اعلام جرم می کنیم ما از تمام سازمانهای جهانی به خصوص از سازمان جهانی کار می خواهیم دولت ایران و وزارت کار ایران را که حقوق انسانی ما را نادیده می گیرند محکوم و از این سازمان اخراج کنند.

۲- ما خواهان انحلال شرکتهای پیمانکاری و لغو قراردادهای موقت و استخدام تمام کارگران در گروه صنعتی ایران خودرو هستیم.

۳- ما خواهان انحلال سیستم کنونی پرداخت دستمزدها و پرداخت دستمزد در مقابل کار کرد و نوع شغل و شیفتهای کاری می باشیم.

۴- ما خواهان انحلال ساختار کنونی شرکت بوده و قطع مزایای همکاران

خود و در ببری آنها به جا های دیگر رامحکوم می کنیم

۵- ما خواهان به رسمیت شناختن شغل های سخت و زیان آور در شرکت هستیم

۶- ما خواهان عدم دریافت مالیات از حقوق و عیدی و پاداش هستیم. دریافت مالیات از حقوق عیدی یک اجحاف برای ما کارگران می باشد. کسر دو برابر مالیات از عیدی مورد پذیرش ما کارگران نیست.

۷- ما سیاستهای وزارت مسکن برای خانه دار شدن کارگران را یک فریب می دانیم و خواهان استرداد تمام مبلغ ودیه گذاری در مسکن مهر بدون کسر کوچکترین مبلغ به همکاران انصرافی می باشیم.

۸- ما خواهان پرداخت سه ماه پاداش حق سنوات بدون داشتن سقف به همکاران بازنشسته هستیم.

۹- ما خواهان بازگشت به کار کارکنان کار آمد هستیم و هر گونه تعرض به آزادی بیان را محکوم می کنیم

۱۰- ما از جنبش دانشجویی حمایت کرده و هرگونه سرکوب علیه دانشجویان را محکوم و خواهان آزادی تمام دانشجویان در بند می باشیم

۱۱- ما از مبارزات حق طلبانه تمام اقشار اجتماعی حمایت کرده و دستگیری کارگران و بازداشت و

میخواهیم، این مملکت صاحب ندارد، روی پلاکاردها هم نوشته بودند "۳ ماه حقوق و مزایا حق مسلم ماست"، "عیدی و حقوق و مزایایمان را میخواهیم"

شهرداری پاسخی به کارگران نداد و اعتراض ساعتها ادامه یافت. جالب این است که دانش آموزان و جوانان نیز در میان کارگران شعارها را بلند می کردند و همدلی و حمایت خود را با آنان نشان می دادند و این نشانه آگاهی آنان از وضعیت غیر انسانی زندگی کارگران و فاصله طبقاتی است و همچنین وحدت اعتراض کارگران و دانش آموزان و سایر اقشار جامعه را

تجمع و اعتصاب کارگران شهرداری آبادان

حقوقی به کارگران شهرداری پرداخت نشد. شهردار آبادان که در آن دوره در مکه بود و به کارگران قول شرف داده بود که پس از بازگشت ایشان مساله حقوق معوقه را حل کند. اما قول شرف همینطور که می دانیم در میان منصباران جمهوری اسلامی مثل یک چک بی محل است. که چیزی نصیب کسی نمیکند. چون شرفی وجود ندارد. کارگران معترض که تعدادشان حدود ۴۰۰ نفر بود خواستهای خود را روی پرچمها و پلاکاردهایی نوشته بودند. و همین فریاد میزدند که حقوقمان را

کارگران شهرداری آبادان روز ۲۴ اسفند مقابل اداره شهرداری مرکزی آبادان تجمع کرده و خواهان پرداخت حقوقهایشان شدند. این تجمع در ادامه اعتصاب چند ماه پیش کارگران شهرداری است که علیه طرح پیمانکاری و خصوصی سازیها و نپرداختن حقوقهایشان بود. در آن اعتصاب شهرداری آبادان از کارگران خواست که تا دی ماه صبر کنند تا بقی آنها اوضاع مالی رو به راه شود و وعده دادند که در دی ماه حقوقها پرداخت خواهد شد. اما در دی ماه

محاکمه فعالان جنبش کارگری، فعالان جنبش زنان، مدافعان حقوق بشر، دانشجویان، نویسندگان، روزنامهنگاران، ویلاگنویسان و سایر فعالان اجتماعی را محکوم و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط همه ی زندانیان سیاسی، فعالان کارگری و فعالان اجتماعی هستیم.

۱۲- چاره ما کارگران اتحاد و پشتیبانی از هم دیگر است ما ضمن حمایت از کمپین افزایش دستمزدها از همه همکاران می خواهیم به مبارزه برای افزایش دستمزدها پیوندیم

همکاران و دوستان گرامی

کارگران اخراجی باید به سرکار بر گردند. این یکی از خواستهای اساسی ما کارگران است. اعتصاب و اعتراض حق مسلم ما کارگران در مقابل حق کثی ها و تعرض به منافع ما کارگران است. طبق قوانین بین المللی هیچ نهادی حق ندارد کارگران را به خاطر اعتصاب اخراج و یا زندانی کند.

ما اخراج کارگران اعتصابی سال ۸۴ را غیر عادلانه می دانیم. آنها باید هر چه سریعتر به سرکار برگردند و مدیریت باید حقوق عقب افتاده آنها را پرداخت کرده و خسارتی که به این کارگران وارد شده را جبران کند زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران جمعی از کارگران ایران خودرو

17 اسفند ماه 1387
hodrokar.blogfa.com

البته پس از ماه ها.

کارگران پیمانکار را خوب می شناسند و خوب می دانند برای چه آمده است به این علت است که کارگران ماه های پیش علیه خصوصی سازی بخش های خدمات شهری اعتراض کرده و عده ای از کار کردن انصراف دادند و اعتراضات تا امروز ادامه دارد. زیرا این دیگر کار نیست، زیرا کارگر انسان محسوب نمی شود.

این گزارش از جانب جمع: پدram ساتراپی، صابر شفیق، کامبیز حسینی، پرویز پوینده برای کارگر کمونیست ارسال شده است.

نشان میدهد.

ظلمی که به این کارگران شده از انصاف و شرافت و مفاهیم انسانی گذشته است. این دیگر ظلم یا فساد نمی تواند باشد نمی توان گفت این مسایل حاصل بی لیاقتی مسولین است. بلکه به مساله ای مالی و اقتصادی برای سرمایه گذاری بیشتر تبدیل شده است. حقوق کارگران پرداخت نمی شود، این پول انباشته می شود، پیمانکار سرمایه ای کلان جمع آوری می کند و در جایی دیگر با آن سرمایه گذاری می کند و در نهایت فقط قسمتی از سود حاصل از این سرمایه را به کارگران باز میگرداند،

وقتی مبارزه کارگران تخطئه می شود

ناصر اصغری

اواخر بهمن ماه امسال رفته بودند سراغ ۱۰ هزار کارگر و آنها را هم متوهم کرده و ازشان امضا گرفته بودند، را هدف قرار داده و قلم بدست گرفته و نوشته ای روشنگرانه نوشته و دارد به کارهای عملی دیگری دست میزنند. واقعا باید تبریک گفت! اما از شوخی و طنز بگذریم. این يك حماقت است که جای تاسف دارد. تاسف از اینکه کسی که کلی توسط این رژیم ضرب و شتم شده و منفعتی در پائین بودن دستمزد کارگران ندارد يك اقدام عملی کارگران را این چنین مورد حمله قرار دهد. حماقت هم این است که کسی بخواهد کاری برای جنبش کارگری بکند، و این چنین با اعتبار خودش بازی کند. اگر کسی آلترناتیو بهتری در مقابل این عمل کارگران و فعالین کارگری ندارد، باید سکوت کند. این شرافتمندانه ترین و محترمانه ترین موضعگیری می تواند باشد.

بحث افزایش دستمزدها برای اولین بار نیست که مطرح می شود. کارگران هر ساله در باره این موضوع، که ربط مستقیمی به زندگی و هست و نیستشان دارد، در محافل خود با دوستان، آشنایان و همکاران خود به بحث و گفتگو می پردازند؛ اعتراض سازمان می دهند؛ آلترناتیو مطرح می کنند و رژیم را وادار می کنند که واکنش نشان بدهد. منتها امسال از چند جهت این مسئله (افزایش حداقل دستمزد) اهمیت دارد. اولاً يك کمپین زنده و با قدرت به راه افتاده بود و کارگران را، و یا حداقل بخشی از جامعه را متوجه این مسئله کرده که يك کار عملی در جریان است و به مسئله دستمزد پائین کارگران اعتراض دارد. ثانياً این مسئله که رژیم تصمیم گرفته بود کلاً سیاست افزایش دستمزدها را کنار بگذارد و دستمزد را منجمد کند، کارگران و خانواده های کارگری را به معنای واقعی کلمه با خطر گرسنگی مطلق و

از هم گسیختگی شيرازه زندگی روبرو کرده است. این دو مسئله را بطور خلاصه مرور می کنیم:

کمپین افزایش دستمزد، توسط تعدادی از فعالین کارگری شناخته شده از تشکلهای و محافل موجود کارگری شروع شد و به سرعت مورد توجه بخش قابل توجهی از کارگران و محافل کارگری قرار گرفت. اهمیت این کمپین برای هر چیز دیگر، این است که فعالین کارگری سراغ کارگران می روند و در باره این موضوع با کارگران به بحث و گفتگو می نشینند. هیچ کسی امضایش را بدون اینکه بداند چکار می کند، پای فراخوانی نمی گذارد. علی اکبر پیرهادی، یکی از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد، به دلیل بحث با کارگران در باره این موضوع به دادگاه احضار و به اتهام اقدام علیه امنیت ملی دستگیر می شود. این اقدام فعالین کارگری می تواند آنها را به عنوان نمایندگان کارگران به جامعه معرفی کند. دولت زیر این فشار عکس العمل نشان داده است. يك روز می گویند دستمزدها افزایش نمی یابند؛ روز بعد می گویند بر اساس نرخ تورم (البته نرخ که آنها تعیین می کنند) افزایش می یابند. یکی شان می گویند شورشهای خیابانی در اعتراض به چنین وضعیتی در راهند. این وضعیت، این اظهارات و ضد و نقیض گوئیها حاصل فشاری است که در جامعه از جانب جنبشهای اعتراضی و بخصوص جنبش کارگری بر رژیم وارد شده است. رژیم بالاخره دستمزدی که به معنای واقعی کلمه فلاکت را می خواهد بر جامعه بگستراند، تصویب کرد. دستگیری فعالین کارگری، احضار و شلاق زدن و غیره، ردی در آسمان بی ابر نیست. اما این اعتراضات پراکنده، این نق زدن و غرولند زدن باید به يك کانالی هدایت بشوند. باید کسانی باشند که بتوانند کل جامعه و جنبش کارگری را مخاطب قرار بدهند و رهبری بکنند. آیا فعالین کمپین

افزایش دستمزد می توانند چنین باشند؟ قطعاً می توانند. اگر در چنین شرایطی کمک کنیم این کمپین توجه بخش هر چه بیشتری از جامعه را بخود جلب کند، اگر توده های بیشتری از کارگران راه چاره را در حمایت از این فعالین و این کمپین ببینند، دولت مجبور می شود که این کمپین و فعالین و دست اندرکاران آن را در ظرفیتهای به رسمیت بشناسد؛ حتی اگر برای توطئه و سرکوبهای بعدی هم باشد. اگر این اتفاق بیافتد، اگر با سنگ اندازیهای بظاهر رادیکال دست از تخریب بردارند، چنین اتفاقی می افتد. بوفور روی میدهد. تشکیک سندیکای شرکت واحد و سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه درست چنین ادعائی را تأیید می کنند.

در ادامه این موضوع، یعنی در ادامه به رسمیت شناخته شدن فعالین و دست اندرکاران کمپینهای این چنینی، اینها که هم اکنون رهبران یا نفوذی در بین کارگران هستند، به سازمان دهندگان اعتراضات شناخته شده اند. منتخب کارگران در مجامع عمومی شان هستند. رهبران تشکیکهای موجود هستند. جنگ و گریزهایی را با دولت سرمایه داران از سر گذرانده اند. کسانی که امروز هم از جانب کارگران و هم از جانب دشمنان کارگران به رسمیت شناخته می شوند؛ فردا می توانند در سطوحی گسترده تر کارگران را مخاطب قرار دهند. تاریخ مبارزه طبقاتی پر است از چنین تجاربی.

تشکیکهای موجود کارگری

در مورد تشکیکهای موجود کارگری هم همان بحث بالا صادق است؛ با این تفاوت که این تشکیکها آن پیروسه را فی الحال طی کرده و با نمایندگی کردن کارگران، از طرف دشمن کارگران هم به رسمیت شناخته

شده اند. با حمایتی که از فعالین کارگری در ادامه مبارزات کارگران در شرکت واحد و نیشکر هفت تپه شد، رژیم متوجه شد که توسل به قهر و سرکوب، فقط نفت پاشیدن به آتش گر گرفته است. کارگران دریافتند و دولت هم اعتراف کرد که نمایندگان کارگران اعضا انتخاب شده این سندیکاهای هستند. جامعه متوجه قدرت این نهادها شد. نهادهای که سرکوب شدند، سانسور شدند، برای فعالیتش پاپوش دوخته شد، با این همه برای هیچ کس جای شکی باقی نماند که اینها با تمام سنگ اندازی ای که دولت بر سر راهشان کرد با تمام کمبودی هم که می شد دید، نماینده اراده کارگران بودند. این تشکیکها از دل مبارزه کارگران بیرون آمده بودند. در چنین تشکیکهایی رهبرانش هر چه خواهند، اراده جمعی کارگران حرف آخر را می زند. تشکیکهایی نبودند که از بالای سر کارگران تصمیم می گرفتند. متکی به قوانین دولتی نبودند. اتکانشان به قدرت جمعی کارگران بود. اتفاقاً گرایشی که می خواست مطالبات کارگران را با "دسته گل" به مقامات رژیم و روشن کردن چراغهای اتوبوسها به جای اعتصاب مطرح کند، در برابر گرایش رادیکال درون سندیکا شکست خورد. اما هیچکدام از اینها برای بظاهر رادیکالها کافی نبود. مرعشان يك یا داشت. چون اسم این تشکیکها سندیکا بود، و شتر گاوپلنگ "ضد سرمایه داری" نبود، باید تخریب می شدند. در بحبوحه مبارزه کارگران شرکت واحد، تعدادی اطلاعیه صادر می کردند که کارگران این سنگ را ترك نکنید. در بحبوحه تحمیل سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه، دهان فعالین این تشکیک را بوئیدند که چه گفته اند. از هر دو اطلاعیه صادره شان، اطلاعیه ای بر علیه این تشکیک صادر می شد.

جایگاه برنامه و اقدام عملی

داشتن برنامه و هدف مشخص برای هر جریان سیاسی ای حیاتی

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

وقتی مبارزه کارگران ...

از صفحه ۱۴

است. اما واضح است که جای اقدام عملی را نمی گیرند. شاید بهتر باشد اینطوری بگوئیم که هیچکدام جای دیگری را نمی گیرند. منتها بر هر عملی باید نقشه ای ناظر باشد. مارکس جانی رتوریک‌های (لفاظی) رادیکال را به تمسخر می گیرد و در برابر همین ظاهرهای رادیکال می گوید اقدام عملی بهتر از هزار برنامه های بی عمل است. اتفاقا اگر کسی بخواهد اقدامی عملی بکند، باید برنامه ای داشته باشد؛ اما اگر کسی بخواهد فقط تئوری ببافد و هیچگونه اقدامی عملی را در دستور کارش نگذارد، و اقدام عملی کارگران و فعالین کارگری را با بهانه و لفاظی های پوچ و مسخره تخطئه کند، دیگر دارد خودش را دست می اندازد. اگر کسی مبارزه برای افزایش دستمزد را تخطئه کند اما در عین

حال فراخوان ایجاد تشکل کارگری بدهد، واقعا چه کسی به این فراخوان جواب مثبت خواهند داد؟ تشکل کارگری را برای چه می خواهیم؟! مگر برای طرح مطالباتمان، از جمله طرح افزایش دستمزد نیست که جنگ و گریز بر سر تشکل راه می افتد؟! اگر کسی جنگ و دعوای چندین ساله کارگران نیشکر هفت تپه را که نهایتا منجر به تحمیل سندیکی کارگران به رژیم می شود، این چنین تخطئه کند، آیا واقعا فکر می کند که کسی به لفاظی های "ضد سرمایه داری" ایشان جواب مثبت خواهد داد؟

بالتر به بحث و گفتگو درباره دستمزدها و سطح پائین آن صحبت کردیم. کارگران با بحث درباره وضعیت معیشتی شان زیر سیطره جمهوری اسلامی، طرفدار شوراهای اسلامی و خانه کارگر نمی شوند. طرفدار خاتمی

نمی شوند. رفرمیست نمی شوند. هر چه این مسئله بیشتر در این باره کنکاش کنند، بیشتر به ضرورت سرنگونی جمهوری اسلامی پی می برند. بیشتر به این نتیجه می رسند که برای خلاصی از این وضعیت باید رژیم را انداخت. بیشتر به این نتیجه می رسند که باید متحد و متشکل شد. بیشتر به این ضرورت می رسند که بدون سیاسی شدن و سیاسی ماندن، کار زیادی از پیش نخواهند برد. همچنین وقتی که تشکلی دارند و این دستاورد تشکل را می بینند که قبل از داشتن تشکل دستمزدهایشان پرداخت نمی شد و بازم بعد از ایجاد تشکل دستمزدهایشان افزایش چشمگیری داشته، چرا باید کسی که نفعی در این شرایط ندارد تمام هم و غمش تخریب این دو خشتی کارگران باشد؟!

خودکشی سیاسی

دو جنبه تاریخی و در واقع پایه ای و کلاسیک مبارزه طبقاتی کارگران، مبارزه بر سر دستمزد و مبارزه برای تشکیلی کارگران است. شاید پایه ای ترین شعار کارگران و فعالین رادیکال جنبش کارگری، "چاره ما رنجبران، وحدت و تشکیلات است" می باشد. دیگر اینکه از دانسته های ابتدائی مبارزه طبقاتی این است که کارگر و سرمایه دار در چهارراه دستمزد با همدیگر روبرو می شوند. مارکس جانی، فکر کم در تزه های فوئرباخ می گوید که "انسان حقیقت داشتن اندیشه اش را می باید با پراتیکش ثابت کند." برای کسانی که با تئوریک های ظاهرا رادیکال بر علیه دو رکن پایه ای و کلاسیک مبارزه طبقاتی مقابله می کنند، رادیکالیسم کاذب و پوچ است. آنچه که برای مخالفین اعتراضات کارگری خواهد ماند، همان روسیاهی خواهد بود. در سیاست این حکم خودکشی را برایشان دارد. آن

فعال کارگری ای که به کارگران می گوید مبارزه برای افزایش دستمزد بیفایده است، مبارزه برای تشکل کارگری بیفایده است، تیر خلاص سیاسی به خود زده است. کارگران می بینند که چه کسی کنارشان ایستاده است و چه کسانی آن ور جوی. کسی که امروز سوار قطار مخالفت با اعتراضات کارگری شده است، نمی تواند در ایستگاه مخالفت با کمپین افزایش دستمزد و مخالفت با تشکل پذیری کارگران توقف کند؛ باید تا آخر برود.

بعدالتحریر

این نوشته قبل از تعیین حداقل دستمزد توسط جمهوری اسلامی نوشته شده بود. قبل از انتشار آن در نشریه کارگر کمونیست، جاهائی دستکاری شد که این تعیین دستمزد را به روز کرده باشد.

اعتصاب معلمان و سکوت اپوزیسیون

داوود رفاهی

وعده های پوچ و توخالی احمدی نژاد بهانه خوبی بود برای بخشی از رهبری کانون صنفی معلمان تا اعتصابی را که تحت فشار معلمان مبارز و حق طلب فراخوان داده بود را پس بگیرد و معلمان را دوباره با وعده های بی پایه منتظر نگهدارد. این مماشات آشکار، دهن کجی به خواسته های معلمان و همچنین تمامی مردم بجان آمده از جمهوری اسلامی بود. ولی تنها چند ساعت از اعلام بازپس گرفتن اعتصاب نگذشته بود

که حزب ما، حزب کمونیست کارگری، با قدرت اعلام کرد که "معلمان؛ کوتاه نیایید، اعتصابتان را عملی کنید." معلمان به این فراخوان نماینده و سخنگوی واقعی خود و همچنین برنامه های زنده کانال جدید، که تنها صدای رسای حمایت از خواسته های معلمان بود، پاسخ مثبت دادند و تهدید اعتصابشان را عملی کردند. گزارشات رسیده از شهرهای مختلف حاکی از اعتصابات معلمان در شهرهای تهران، شیراز، اهواز، آبادان، خمینی شهر، اصفهان، تبریز،

یک معلم به حکم جنایتکارانه شلاق محکوم شد

مرگ بر حکومت منحوس اسلامی.

۱۹ تجدید نظر صادر شده بود. طبق این گزارش، به آقای رضا عبدی تا ۷۲ ساعت از ساعت ۲ بعدازظهر پنجشنبه ۱۵ اسفند فرصت داده شده بود که به شعبه مربوطه مراجعه کند. این حکم با جریمه ی نقدی معادل ۲۵۰ هزار تومان قابل خریداری بود. عبدی در اردیبهشت ماه سال ۸۶ شش روز را در زندان اوین سپری

بنا به گزارش کانون صنفی معلمان ایران، رضا عبدی سنبل آبادی دبیر زبان انگلیسی در منطقه ۱۸ آموزش و پرورش تهران به ۵ ماه زندان و ۲۰ ضربه شلاق محکوم گردید. این حکم جنایتکارانه توسط سید حمیدرضا حسینی رئیس شعبه ۱۰۵۹ مجتمع قضائی شهید بهشتی و تأیید حمید محمندی رئیس شعبه

ممسنی، کرمان و چند شهر در کردستان است که موقع نوشتن این مطلب همچنان ادامه دارد. اعتصابی به این وسعت که در تاریخ حیات جمهوری اسلامی به جرأت می توان گفت بی نظیر بوده است، نه از جانب بقیه اپوزیسیون مورد حمایت قرار گرفت و نه حتی از طریق رسانه هایشان اخبارش منعکس شد. در کمتر سایت نیروهای اپوزیسیون نشانی از این حرکت وسیع معلمان و حمایت از آنها بچشم می خورد. از نیروهای راست اپوزیسیون انتظار حمایت انتظار عبثی بیش نیست. ولی گروههایی که خود را چپ و کمونیست می دانند، چرا یک کلام برای حمایت از این حرکت بر زبان

نیاورند؟! من شخصا عمده ترین دلیل سکوت این دوستان را پرت و نامربوط بودن آنها از مبارزات و خواسته های مردم می دانم. رادیو و تلویزیون آمریکا و بی بی سی که اگر خاتمی و یا دو خردادی دیگری سرما خورده و عطسه ای بکند، سرتیتر خبرشان می شود اگر در مقابل اعتراضات معلمان سکوت اختیار کرده اند، قابل درک است؛ ولی احزاب و گروههایی که خود را مدافع حقوق انسانها می نامند، آیا معلمان را جزء انسانها بحساب نمی آورند؟ یا شاید از دید آنها انسان و کارگر خصلتهای دیگری دارند که فقط در دنیای آنها وجود دارند! یا لایذ حرکتیهای اعتراضی باید مستقیما از

جانب خود آنها سازمان داده شده باشد یا خودشان در آن دخیل باشند تا مورد حمایتشان قرار بگیرند. تحولات سرعت در حال شکل گیری هستند. کشور آستن تحولاتی است که لحظه بروز آن قابل پیش بینی نیست. خشم و نفرت مردم از حکومت حد و مرزی ندارد. مردم برای سرنگونی این رژیم و بدست آوردن یک زندگی شایسته انسان لحظه شماری می کنند. بهتر است گروههایی که خود را چپ و کمونیست می دانند بخود بیایند و لحظات حساس پیش رو را دریابند. وقت تنگ است، تأملی باید.

رازانی و شیوا خیرآبادی از فعالین اول مه سنندج به جرم شرکت در روز جهانی کارگر شلاق زده شدند و امروز نوبت به رضا عبدی سنبل آبادی معلم تهرانی رسیده است. معلمان را شلاق میزنند تا آنها را ساکت کنند و به وضع جهنمی موجود تسلیم کنند. اما این جنایت به خشم و نفرت عمیق تر توده وسیع مردم منجر خواهد شد. معلمان و مردم را ساکت نخواهد کرد.

باقی مانده حکم خود را خریداری کرد. در اطلاعیه ای از حزب کمونیست کارگری ایران در ۱۷ اسفند در همین رابطه آمده است: "جنایات جمهوری اسلامی حد و مرز ندارد. شلاق پاسخ حکومت به معلمانی است که برای مطالبات بحق خود دست به اعتصاب و اعتراض میزنند. و مرگ بر جمهوری اسلامی پاسخ توده وسیع معلمان و همه مردم شریف و آزاده است. هفته قبل سوسن

کرد که به ازای هر روز از روزهای زندان ۱۵ هزار تومان یعنی در مجموع ۹۰ هزار تومان از جریمه ای که برای او حکم داده بودند کسر شد. عبدی باتوجه به مبلغ باقی مانده جریمه یعنی ۱۶۰ هزار تومان یا باید ۱۶ روز به زندان می رفت و یا پول را می پرداخت. او با اعتراض به این حکم تصمیم گرفته بود زندان را بپذیرد ولی بعدا با اصرار فراوان برادر و به خواست مادرش که نگرانش بودند، با پرداخت ۱۶۰۰۰۰ تومان

اطلاعیه

بدینوسیله به اطلاع کارکنان تحت پوشش پیمانکاران نیروی انسانی و خدمات فنی میسرساند بعلت نداشتن تولید از تاریخ ۸۷/۱۲/۲۲ تا اطلاع ثانوی ادامه اشتغال امکانپذیر نمی باشد. لذا توجه عزیزان را به موارد زیر جلب می نماید.

۱) حقوق بهمن ماه همکاران قبل از پایان سال توسط پیمانکاران مربوطه پرداخت و تسویه حساب نهایی بعد از تعطیلات نوروزی انجام خواهد شد.

۲) به منظور امکان استفاده از بیمه بیکاری طبق هماهنگی با پیمانکارهای محترم و اداره کار و امور اجتماعی و سازمان تأمین اجتماعی تاریخ زمان بندی و محل مراجعه مشخص و اعلام خواهد گردید.

۳) مسئولین شرکت با جدیت و موضوعات فوق را با اداره کار و امور اجتماعی و سازمان تأمین اجتماعی بیکری تا کارکنان فوق در اسرع وقت از مزایای قانونی بیمه بیکاری استفاده نمایند.

۴) مدیریت شرکت در تلاش است با اخذ سفارش تولید امکان اعاده به کار را برای کارکنان پیمانکارها فراهم نماید.

۵) خواهشمند است به منظور حفظ نظم و تسریع در انجام امور از تجمع بی مورد خودداری و همکاری لازم در این راستا بعمل آید.

با تشکر

ستاد بحران شرکت لوله سازی اهواز



تجمع اعتراضی کارگران لوله سازی اهواز

حراست در حالت گارد مانع از ورود کارگران بداخل محوطه شرکت شد

ملحق شوند و از خواست کارگران حمایت کنند.

مدیریت با وعده ی بازگشت بکار تعدادی از کارگران قصد دارد بین کارگران تفرقه بیندازد. کارگران معتقدند که عنوان "ستاد بحران" برای فرار مسئولین و مدیریت شرکت از پاسخگویی به کارگران انتخاب شده است. تجمع کارگران موقتاً در ساعت ده و پنجده دقیقه پایان یافت. کارگران قرار است بعطبتی روز یکشنبه در ساعت هشت صبح روز دوشنبه به تجمع اعتراضی خود ادامه دهند. و اینبار با بلندگو خواست های برحق خود را فریاد بزنند.

هیچکدام از مسئولین شرکت برای پاسخگویی به کارگران در محل تجمع حاضر نشد. اکثر کارگران از ۱۵ تا ۱۸ سال سابقه کار دارند. و چون سنشان هم بالاست عملاً امکان پیدا کردن کار دیگری را ندارند. بسیاری از مردم که از آنجا عبور میکردند در جریان تجمع کارگران قرار گرفتند.

بنا به گزارش دیگری از مهرداد امیر کارگران این کارخانه روز شنبه ۱۷ اسفند نیز در اعتراض به پرداخت نشدن دستمزدهایشان برای ساعاتی دست از کار کشیدند و اعتصاب کردند. ۷۰ نفر از این کارگران همچنین در صبح روز ۲۲ اسفند مقابل درب اصلی شرکت واقع در میدان زندان کارون دست به تجمع اعتراضی زدند و خواهان پاسخگویی مسئولین نسبت به دستمزدهای معوقه و همچنین شرکت شدند که با حضور نیروهای انتظامی پاسگاه ۲۴ اهواز این تجمع موقتاً پایان یافت.

بنابه همین خیراز اول اسفندماه کارفرما رستوران شرکت را برای تمامی کارگران روز کار تعطیل اعلام

نهالهای سبز نبود کار از بین رفتن صنعت گران سبز" و همچنین بر روی پلاکاردی با پارچه ی سیاه رنگ نوشته بودند: "کار قلب ماست دولت لوله سازی را کمک کن سال ۸۸ سال شکوفائی لوله سازی اهواز با اخراج ۲۰۰۰ نفر کارگر مبارکباد سلیمانی تشکر تشکر"

در ساعت هشت و پانزده دقیقه نیروی انتظامی و سپس لباس شخصی ها در محل حاضر شدند در ساعت نه و پانزده دقیقه تعداد ۲ خودرو نیروی انتظامی بر از سرباز آمدند ولی دخالتی نکردند. یکی از افسران با نمایندگان کارگران صحبت کرد و از آنها خواست که کارگران سد معبر نکنند و دست به راه بندان زنند. تعداد افسران و درجه داران حدود ۱۲ نفر و سربازان حدود بیست نفر بودند. چندین موتور سیکلت سوار و تعدادی لباس شخصی کارگران را زیر نظر داشتند.

اما کارگران مرعوب نشده و شعار میدادند "اتل متل چطور عید نوروز چطور"، "لوله سازی عیدی داده به کارگران اخراجی داده"، "امان از ظلم سلیمانی"، "کیست مارا یاری کند"، "مرگ بر مدیریت"، "خاک تو سر مدیریت" و "سلیمانی حیا کن لوله سازی رورها کن"

لباس شخصی ها از تجمع کارگران فیلم برداری میکردند. عوامل حراست مجبور بودند جلوی ورود کارگران را به کارخانه سد کنند اما با کارگران رودرو نشدند. عوامل پلیس نیروی انتظامی با توجه به مسالمت آمیز بودن تجمع کارگران مزاحمتی برای کارگران ایجاد نکردند.

کارگران از حراست، عوامل نیروی انتظامی و سربازان و لباس شخصی ها خواستند که به آنها

بنا به گزارش ارسالی مهرداد امیری خبرنگار حزب و کانال جدید، بیش از ۲۰۰ کارگر شرکت لوله سازی اهواز از ساعت ۸ صبح روز شنبه ۲۴ اسفند ماه ۸۷ جلوی در ورودی شرکت دست به تجمع اعتراضی زدند که تا ساعت ده و نیم صبح همین روز ادامه داشت. کارگران ابتدا میخواستند در محوطه شرکت تجمع کنند که با حالت گارد گرفته ی حراست شرکت مواجه شدند و به همین دلیل در جلوی درب شرکت واقع در میدان زندان کارون دست به تجمع زدند. اطلاعیه ای از طرف "ستاد بحران شرکت لوله سازی اهواز" در چندین نسخه جلوی درب شرکت نصب شده بود. در این اطلاعیه آمده بود که کارگران تحت پوشش پیمانکاران از تاریخ ۲۲ اسفند تا اطلاع ثانوی بعطبتی تولید و تصمیم "ستاد بحران" از کار اخراج گردیده اند و همچنین از کارگران خواسته شده بود که دست به تجمع نزنند.

این در حالیست که همزمان با تجمع کارگران مواد خام "کویل های ذوب آهن" وارد شرکت شد. که خود این امر بیانگر ادامه تولید و بطلان ادعای مدیریت شرکت که در پشت عنوان "ستاد بحران" مخفی شده را اثبات میکند.

بدلیل اعلام تعطیلی شرکت بمدت یکماه از تاریخ ۲۱ اسفند تا ۲۱ فروردین ماه ۸۷ کارگران موفق نشده بودند که به همه همکاران خود اطلاع دهند و تنها بیش از ۲۰۰ نفر از کارگران توانسته بودند در این تجمع شرکت کنند.

کارگران پلاکاردهائی را در دست داشتند که بر روی آنها نوشته بودند: "ایا کسی هست که ما را یاری کند" و "عدم وجود آب از بین رفتن

کرد و فقط کارگران شیفت میتوانستند از غذای رستوران که دیگر بسیار بی کیفیت و ارزان تهیه میشود استفاده کنند. کلیه کارگران این شرکت حداقل دستمزد اعلام شده از سوی وزارت کار را دریافت میکنند.

لازم به توضیح است که این شرکت که در منطقه کارون اهواز واقع شده است، در ابتدای سال ۸۷ نیز به مدت ۲۴ روز تعطیل بود. این کارخانه ۲۶۰۰ کارگر دارد که حداقل دستمزد اعلام شده از سوی وزارت کار را دریافت میکنند.

یک دنیای بهتر

برنامه حزب کمونیست کارگری را بخوانید

زنده باد سوسیالیسم